

خپلواکی (آزادی)

نشریه مرکزی سازمان ملی و دموکراتیک آوارگان افغانی

مارچ ۲۰۰۵ م

حمل ۱۳۸۴ ش

خپلواکی (آزادی)

صفحه اول

شماره چهل و پنجم

مقام زن راگرمی میداریم!

هشت مارس روز جهانی زن به زنان سراسر جهان مبارکباد.

زنان در سراسر جهان و در طول تاریخ از زمان حاکمیت نظام مردسالاری تا کنون تحت ستم مردونظامهای مرد سالار حاکم بر جوامع بشری قرار داشته و در شرایط سخت و دشوار در محنت و خواری بسر برده اند.

زنان افغانستان نیز مانند زنان دیگر نقاط جهان در تحت حاکمیت نظامهای قرون وسطایی سنتی مردسالارانواع ستمپارادیده و زندگی سخت، فلاکت بار و طاقت فرسائی را گذرانده اند. این وضعیت تاهنوز کماکان ادامه دارد.

مردم افغانستان در قرون متمادی تحت حاکمیت امپراتوریهای رومی، عربی، مغولی صفوی وغیره، تحت ظلم و ستم قرار داشته و محکوم به پرداخت «جزیه»های کمر شکن، به آنها بودند و طوریکه امروزه ۹۵٪ از مردم اکثر کشورهای جهان، زندگی مینمایند، در فقر و تنگدستی تحت شرایط سخت و دشوار زندگی می نمودند و در پهلوی اینها مجبور به ازدست دادن جگر گوشه های قدونیم قد خود به کنیزی این چپاولگران خون آشام بودند.

این دختران جوان که بکنیزی برده میشدند توسط امراء مزدور محلی، بدسته بندی های مختلف تقسیم میشدند که شامل سن، چهره و اندام، میگردد و بهمان نسبت بین اراکین لشکری و کشوری واقف و عسکر امپراتوریها، تقسیم میگردد. باین ترتیب زنان جامعه درین ادوار بیشترین ستمها را متحمل گردیده و در ذلت و خواری تحت کار و فشارهای شاقه و طاقت فرسا زندگی نموده و انواع شکنجه ها و ستم نظامهای حاکم مرد سالار را متحمل گردیده اند.

زنان کشور همچنان از قرنهای با بنظر طرف در اثر موجودیت رسم و رواجها و عنعنات قبیلوی، قومی و منطقوی حاکم بر جامعه، همواره تحت جور و ستم مضاعف قرار داشته و حقوق انسانی آنان پایمال و در حصارهای رنگارنگ نظامهای طاقتفرسای محصور بوده و با آنها رفتار غیر انسانی صورت گرفته است. در بیشتر نقاط کشور تا هنوز این وضعیت بشکلی از اشکال موجود بوده و به زنان تحمیل میگردد. با اساس این رسم و رواج های قرون وسطایی زن مانند مال و جنس، مرد و نظام مردسالار متعلق... ص: ۸

د استاد رشاد مریخه

علامه استاد رشاد د کندهار سار د بابر په کورچه کې په کال ۱۳۰۰ ش کې وزیږیدی. په کوچنۍ والی کې ئی قرآن شریف او هم فارسی کتابونه، زده کړل او بیا په پنجه کلنۍ کې د کندهار د گنج په سوونځي کې شامل سو او د پوره استعداد او لیاقت له کبله ئی چه درلود سوونځي په بریالیتوب سره سرته ورساوه او وروسته په سوونځي کې سوونکي مقرر سو. په اوه ویش کلنۍ کې په خپل شخصي مصرف هندوستان ته ولاړ او هلته اوه کاله د ژبو په زده کړه او د تاریخ په برخه کې په تحقیقاتو بوخت وو... ص: ۹

هویت رهبری سازمان ملی و دموکراتیک آوارگان افغانی
سال نسو خورشیدي را به هموطنان عزیز در داخل و خارج کشور تبریک میگوید.
امید است سالی راکه در پیشرو داریم. سال موفقیت مبارزاتی بر ضداشغالگران و دولت مزدور در افغانستان و سراسر جهان باشد.

قانون جدید مهاجرت در آلمان

زندگی را دشوارتر می سازد!

در کشور آلمان در حال حاضر بیش از هفت میلیون مهاجر زندگی مینمایند که دوسوم آنها درین کشور بدنیاً آمده اند. بین سالهای ۱۹۵۵-۱۹۷۳ از کشورهای اسپانیا، یونان، ترکیه، مراکش، پرتغال، تونس و یوگوسلاویا میلیونها کارگر غرض بازسازی صنعت و خرابیهای بازمانده از جنگ جهانی دوم بکشور آلمان فرا خوانده شدند که حدود چهار میلیون از آنها در این کشور اقامت دائمی گزیدند. از آلمان به بعد پذیرش خارجی هادرنوسان بوده و تا سال ۱۹۹۲ تغییرات ویژه در شرایط کار برای آنها... ص: ۷

افغانستان اشغال شده و حاکمیت برده وار!

امپریالیست ها و متحدین شان برهبری امریکا، وقتی جنگ تحت نام «تروریسم» را علیه طالبان برآوردند، خروج نیروهای نظامی را تا یکی دوماه بعد از سقوط طالبان از افغانستان نشانی کردند. بعد از سپری شدن این میعاد تا بستان سال ۲۰۰۲ و بعد از تأیید قرار «صلح سرتاسری» و از بین رفتن بقایای طالبان و درین اواخر بگفته سناتور امریکائی «جان مکن» که از افغانستان در اواخر ماه فبروری دیدن نمود از یک برنامه دراز مدت ۶۰ سال صحبت در میان است سناتور امریکائی می گوید: منافع امریکا و افغانستان ایجاب میکند که پایگاه های نظامی امریکا و ایساف برای مدت طولانی در افغانستان، در نظر گرفته شود و درین راستا کار صورت بگیرد.

موضع سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی از همان ابتدای اشغال افغانستان واضح، صریح و روشن بود. مبنی بر اینکه این اشغال نه برای مدت کوتاه تا بیرون راندن طالبان و القاعده میباشد بلکه پالیسی سازان باند بوش که زلمی خلیل زاد یکی از مهره های گرداننده آن میباشد و طرفدار سیاست خون و آتش برای حفظ منافع امپریالیسم امریکا در سراسر جهان از جمله شرق میانه و آسیای میانه و جنوب، میباشد، از همان ابتدای اشغال افغانستان آنرا بیک امر دائمی مبدل نموده از استراتیژی برنامه ریزی شده خود دانسته و برای پیاده نمودن آن جنگ علیه تروریسم را بهانه فرا داده است تا از افغانستان بطرف آسیای میانه و جنوب و جنوب شرق آسیا با دست باز و امکانات عمل سریع برای سرکوب و غارت خلقهای منطقه، استفاده نماید. در مدت سه سال اشغال افغانستان سیاست اشغال و آفانی امریکا بوضاحت و بدون تردید ادامه دارد. بمبارانهای وحشیانه بر اهالی بیگناه به بهانه جنگ بر ضد قوماندان های طالب، ساختن بیش از سی زندان که در حقیقت شکنجه گاههای مردم بیگناه می باشد. ساختن پایگاه های نظامی و تربیت پرسونل مزدور افغانی و نام آنرا اردوی ملی و پولیس ملی گذاشتن، تلاشی خانه ها، کشتن، غارت و بزندان انداختن بدون چون و چرای اهالی و فرستادن... ص: ۲

که جهان دی د زمري په خوله کی ورکا د زمري په خوله کی مه پریرده همت خوشحال خان «ختک»

افغانستان اشغال شده و . . .

آنها را تا گوانتانامو، ساختن زندانهای شخصی اشغالگران در شهر کابل، پخش فحش و فرهنگ غربی که از ریشه با فرهنگ اصیل افغانی در تضاد میباشد، سمپاشی از هوا توسط طیارات امریکائی بالای مناطق شرقی افغانستان و ولایت هلمند که باعث گسترش امراض جلدی در بین ساکنان آن مناطق گردیده، فصلهای زراعتی و مواشی را از بین برده و از این طریق صدمات و تلفات زیاد جانی و مالی را ببار آورده است. وقتی هم شکایت صورت گرفته دولت مزدور خود را بیخبر انداخته و قوای امریکائی آنرا کارشان ندانسته و آنها را با کمیسیون بازی، فریب میدهند.

در راستای همین سیاست اشغال و آقائی بیش از ۹۵٪ مردم افغانستان از فقر، تنگدستی، بیکاری و بی سرنوشتی رنج میبرند. در زمستان از هوای سرد و در تابستان از هوای گرم طاقت فرسا، نداشتن سرپناه، آب و نان و دوا، تلف میشوند. طوریکه بر همگان واضح است اخیراً در دو کیلومتری منزل حامد کرزی زنان و اطفال مردم بی سرپناه عودت کننده از ایران و پاکستان که در چمن حضوری از سه سال باین طرف در زیر خیمه های پلاستیکی، بسر میبرند در اثر نداشتن پوشش لازم، دوا و غذای کافی جانهای شان را از دست دادند. به هزارها طفل، مرد و زن در ولایت غور، بامیان، بدخشان و زابل و سایر مناطق کشور، تلف شدند. دولت مزدور که خود را نماینده مردم میدانند، بغیر از براه انداختن تبلیغات میان تهی برایشان هیچ کاری را در عمل انجام نداده است. اگر چند بسته های غذا و پوشش به منطقه ارسال گردیده که توسط قوماندانهای محل که پشتیبانان دولت مزدور اند، غارت گردیده است. اینست نمونه مشت از خروار جنایات امریکائیه و دولت دست نشاندۀ شان در افغانستان.

وقتی کنفرانس بن در ماه دسامبر ۲۰۰۱ دائر گردید، مزدوران امریکادار این کنفرانس بمردم افغانستان وعده های سرخرمن دادند آنها از صلح و امنیت، حقوق زنان و بشر، یاد کردند، از مبارزه برضد مواد مخدر صحبت نمودند و از انتخابات و دموکراسی و عدالت گلوپاره کردند؛ ولی میلیارها دالری که بنام کمک به افغانستان سرازیر شد و آن میلیارها دالری که از بابت کشت و قاچاق مواد مخدر بدست میآید، بیک اقلیت نا چیز در کشور که در خدمت سیاست اشغال و نوکری بامریکا اند، تکیه نموده و مردم محروم از هر چیز اند. تاحالانه کدام قاچقبری زندانی شده و نه هم کدام جنایتکار جنگی بمیز محاکمه کشانده شده است؛ ولی طیارات امریکائی از هوا بالای مردم بیگناه بر علاوه بمب و خمپاره مواد زهری و کیمیاوی، فرو ریخته اند، اینست نمونه از سیاست بشردوستانه امریکاییست که بحق، سیاست برده و ار و آقائی اشغالگران را بنمایش می گذارند. امریکاییستهمیخواهند افغانستان را برای ده ها

سال زیر کنترل داشته و مردم ما را غلام و مزدور خود نگه دارند.

آنها هر قدر بکوشند که منافع امریکاییستی غارتگرانه خود را در افغانستان همخوانی با منافع مردم افغانستان نام گذارند؛ ولی در عمل چیزی را ثابت کرده اند که با گفتارشان نمی خوانند.

مردم افغانستان این دشمن مکار و در عین حال خطرناک خود را می شناسند. نیرو هائیکه برای یک افغانستان مستقل و دموکراتیک بر ضد اشغالگران مبارزه میکنند وظیفه دارند تا سیاست مکارانه اشغالگران و نوکران آنها را که جزء منافع پلید خود بیه چیز دیگری نمایند، برای مردم خود بازگو نمایند و هم بکوشند تا چشم و بیزاری مردم را جهت داده و آنها را بر ضد اشغالگران متحد و یکپارچه، سازند. ماهمیشه فریاد بر آورده ایم که امریکاییست هاو متحدین آنها برهبری امریکابر کشور ما فرمان می رانند و مردم ما را بحیث برده و غلام بحساب میآورند. آنها این را در عمل با ثبات رسانده اند.

عزیزالله « واصفی » یکی از شرکت کنندگان کنفرانس « بن » در همان اول به خلیل زاد گفت:

« ما بریده ساختی؛ ولی بنده نمانم. »

اینست ماهیت آشکار کنفرانس بن و تأیید مستعمره ساختن کشور برده نمودن مردم افغانستان. ولی مردم ما با مقاومت و مبارزه، طوق بردگی را بدور انداخته و زندگی مستقل و ملی خود را بگواهی تاریخ، بدست می آورند.

اوجگیری انقلاب ...

جنبش مائوئیستی در کشورش وسعت و دامنه بیشتر خواهد یافت.

از آنجائیکه جنبش انقلابی و دموکراتیک در پاکستان ضعیف میباشد و پاکستان ازین ناحیه آرام است و خطری را از درون احساس نمیکند، با اشاره و اجازه امریکاییستها، برهبری امریکاییک گفته و پیشنهاد دادن اسلحه به نیپال راداده است تا بتواند بمرنگین رژیم سلطنتی نیپال، بیفزاید. پاکستان با این اقدام خائنه و ماجراجویانه خود دشمنی خلقهای نیپال، منطقه و سراسر جهان را کمائی نموده از مجازات سخت - که باید انتظار آنرا بکشد - راه بجائی نخواهد برد.

وظیفه نیروهای سیاسی و مردم پاکستان بدرجه اول اینست که نگذارند دولت نظامی پاکستان باین اقدام جنایتکارانه دست بزند و خواست امریکاییست ها را بر آورده سازد.

خلقهای جهان سرنوشت مشترکی را تجربه میکنند، حمله و تجاوز بر نیپال و جنگ برضد مائوئیستها در آن کشور اقدام جنایتکارانه و خلاف آنچه که امریکاییستها ادعا میکنند، میباشد. مائوئیستها که اکثریت مناطق روستائی و مراکز

شهری را اداره میکنند و برای رفع استثمار و امتیازات طبقاتی مبارزه مینمایند، اعلان نموده اند که تمام احزاب و نیروهای سیاسی اپوزیسیون دولت سلطنتی میتوانند در مناطق تحت اداره آنها، بفعالیت آزادانه سیاسی بپردازند.

آنها بپا خواسته اند تا برای بهبود بخشیدن زندگی زحمتکشان که در جامعه طبقاتی، برای ابد محکوم بذلت و بدبختی اند و قرنه است که از یک زندگی درخورشان انسان، محروم بوده اند، بجنگ و مبارزه مشغول اند و برای دموکراسی توده ای و حاکمیت سیاسی کارگران و دهقانان و سایر زحمت کشان در جامعه جدوجهد مینمایند.

امریکاییست ها برهبری امریکاهمیشه تلاش ورزیده اند تا بر دولتها و جنبشهای انقلابی و مترقی مهربدیکتاتور رازده و برضد آنها به سیاست تجاوز کارانه و خرابکارانه پرداخته و سیاست تجاوز کارانه خود را در قرن ۲۱، مبارزه برضد تروریسم و آوردن دموکراسی و آزادی، اعلان نموده اند و بی جهت نیست که جنبش مائوئیستی خلق نیپال راهم باین نام مسمأ ساخته و برضد آن به توطئه و دست اندازی، مصروف میباشد.

جنبش مائوئیستی خلق نیپال توانسته است با پافشاری روی خط اصولی، پشتیبانی فعال نیرو های اپوزیسیون سلطنتی در نیپال و افکار جهانی را از خود ساخته و در راهی که در پیش گرفته تا پیروزی کامل و قطعی، به پیش رود.

توطئه و دست اندازی امریکاییستها و دولت های مرتجع منطقه به شکست حتمی مواجه میگردد. مرگ بر امریکاییستها و مرتجعین توطئه گرا! زنده باد جنگ خلق در نیپال!

- طبق سروی اداره کمک های

بشری، ملل متحد -

۵۰٪ از مردم

افغانستان زیر خط فقر زندگی می نمایند.

در هر ساعت یک زن

بنسبت عدم مراقبت طبی

جان خود را از دست میدهد.

۲۰٪ از اطفال قبل از سن

پنج سالگی می میرند.

سطح نظام تعلیمی

در این کشور پایین تراز

تمام کشورهای جهان

قرار دارد.

حادثه خونین ۲۲ ثور...

شعله ای هادرمخالفت با آن، راه تظاهرات خیابانی رایشنهادمیکردند تا کانکورزدگان با مردم شهر یکجا شده از دردورنج ومصیبت های اجتماعی که عامل آن طبقات حاکمه ونماینده وحفاظ منافع شان دولت ظاهر شاه بود، اعتراض نموده واز این طریق ماهیت وطبقاتی بودن دولت، ارگانهای اجرائی وقانونی که پارلمان وحکومت رادبر می گرفت رافشاء نموده ومردم رادربین راستاکه دولت حافظ منافع زحمتکشانش نیست، آگاه سازند وآنرا زیر فشارقراردهند تا به پرابلمهای عمومی اجتماعی بخصوص پرابلم کانکور رسیدگی نماید.

تظاهرات هفته هادوام نمودوکانکور زدگان عملاً رفتن به پارلمان وعریضه نویسی وارد نمودند وشورای افغانستان را شورای «پلوخور» یا «پولیسسی جرگه» نامیدند و از آن دست بسر بودند.

همزمان با این حوادث درمکتب ابن سینا که لیلیه بودوشاگردان آن ازولایات میآمدند بر ضدمدیر لیسسه اعتراض داشتند ودرکناریک سلسله خواسته های صنفی ازوزارت معارف میخواستند تا مدیرلیسه رابرنکارنماید؛ ولی وزارت راضی نبود تا بخواسته های متعلمین جواب مثبت داده مدیرراتبديل کند.

اعتصاب دوامدارگردید ودولت قوای ضربه را جهت سرکوب، فرستاد. حوالی ساعت دو بعداز ظهربودکه پولیس های غندضربه لیلیه ابن سینا رامحاصره نموده وباوحشیگری و خشونت بیمانند بالای شاگردان مکتب حمله نموده وبه لت وکوب آنهاپرداختند که درنتیجه دههانفرآنها رازخمی، وعده دیگری راگرفتار نموده وبا خودبردند.

زخمیهابه کمک وهمکاری متعلمان دارالمعلمین که درکنار مکتب ابن سیناقرارداشت به شفاخانه علی آباد غرض تداوی انتقال یافتند. درین میان عده زیادی از متعلمان بخصوص شاگردان صنف هشت و نهم با پای برهنه وبدون پوشش لازم به اثربیم وترسی که درآثر وقوع آن حادثه دلخراش برایشان دست داده بودوحشت زده وفریاد کنان خودرابه لیلیه پوهنتون رساندند- چه آنهادرک کردند که درآنجا برایشان پناهگاه و پشتیبانی وجوددارد- عده از محصلین که من هم جزء آنها بودم ودریکی ازاطاقهای Wing-A مصروف جای نوشیدن بودیم با شنیدن غریبوصدای ناله وفریادانگهانی، حیرت زده وبسرعت ازاطاق بیرون

جسته وخودرا بدروازه ورودی لیلیه رساندیم. درآنجا باحدود ده دوازده نفر از افرادی مواجه شدیم که ترس ووحشت سراپای شانرا فرآورفته بود، آنها با سراسیمگی وبطورجسته وگریخته جریان واقعه رابرای ما شرح داده و اظهار نمودند که تعداد زخمی

هایی شماراست.

لیلیه پوهنتون از طرف پیشین تقریباً خالی بود؛ زیرایکتعداد از محصلین بدرس وعده هم بدنبال کارهای شخصی بشهر رفته وعده دیگر دراطاقهای لیلیه مشغول درس خواندن و یا استراحت بودند.

ما کوشیدیم تا ابتداء آنها راروحیه داده و سپس به لیلیه برده وكوشش نماییم تا آرامش خودراباز یابند. دراین جریان لحظه به لحظه بتعداد محصلانی که از هر طرف جمع شدند، افزوده شد و درعین حال به تعداد شاگردان پناه جونیز افزوده شد.

ساعتی بعداطلاع یافتیم که شفاخانه علی آباد مملو از زخمی وكشته شدگان است وبعد یکی از محصلان تصدیق کرد که سه تن از کشته شدگان را بچشم خود دیده است. با شنیدن این خبر دلخراش عده از محصلان خشمگین طور دستجمعی بطرف شفاخانه براه افتادند وبقیه در اطاقها وبیشروی لیلیه منتظر نتیجه، باقی ماندند. دقایقی بعد فرید «شایان» محصل فاکولته حقوق ودوتن دیگر را دیدیم که جسدی را حمل کرده وآترا در نزدیک لیلیه بزمین گذاشته و اظهار نمودند که تعداد زخمی های بحساب بوده ومسئولین اجساد کشته شدگان رامخفی نموده ویآنها را بجای های نامعلوم انتقال داده اند، مافقط توانستیم این جسد را بدست آوریم.

جوان دانش آموز شهید «اصیل» نام داشت که از ولایت پکتیا ومتعلّم صنف نهم مکتب ابن سینا بود. دولت افغانستان که در آن وقت صدراعظم آن نور احمد اعتمادی بود، از وقوع حادثه سراسیمه شده واز طریق رادبو کابل بطور مسلسل به پخش اعلامیه ها پرداخته وواقعیت وقوع حادثه ابن سینارا، تکذیب نموده و محصلان رابه صبر و حوصله دعوت نمود و به آنها اطمینان داد که موضوع زیر تحقیق و بررسی فوری قرار خواهد گرفت. بعد کشته شدن اصیل رابدست نیرو های دولتی ردنموده ومرگ ویرادر اثر مریضی وانمود نموده واز محصلان خواست تا جسد ویرابه نیروهای امنیتی تحویل دهند.

محصلین فیصله نمودند که جسد اصیل را غسل داده ودرمسجد لیلیه بطور دستجمعی از آن محافظت نمایند تا پولیس نتواند بهدفش دست یابد.

درین اثناء دربین محصلان آوازه افتاد که پولیس میخواست بدست بحمله زده وعلاوه بر گرفتن جسد، عده ارمحصلین رانیز بنام محرکین حادثه دستگیر وزندان نماید.

این خیر باعث ایجاد ترس ووحشت دربین محصلین گردید و تعداد زیادی از آنها با پافشاری نهادند.

آنها حتی بکس ها ووسایل شانرا، بردند.

بعد از صرف غذا، محصلین دراطاق غذا خوری لیلیه گرد آمدند تا در مورد وظایف آتی بحث پرداخته وتصمیم بگیرند. درین جلسه بیش از پنجاه نفر حضور نداشتند. وقتیکه نماینده شعله جاوید بالای میز ایستاده وپیشنهاد نمود تا هر جریان سیاسی نماینده خود رامعرفی و پیشنهادش رابرای وظایف آتی مطرح نماید، عطا محمد باشنده قندهار ومحصل فاکولته علوم طبیعی برسبیل مزاح وطعنه گفت: «می بینید که از ترس حمله پولیس هرکس پشت جریان خود رفته است. در مورد وظایف آتی باید فردا صبح در پوهنتون بین محصلان فیصله بعمل آید؛ ولی وظیفه آتی ما این است که تا صبح از جسد محافظت نماییم تا پولیس نتواند آنرا بدست آورد. همه پذیرفتند و شب تا صبح بیدار، ماندند واز جان ودل بمحافظت از جسد نوجوان شهید، پرداختند.

صبح روز ۲۴ ثور صحن پوهنتون مملو از هزاران تن از محصلان وشاگردان پوهنتون و مکاتب شهر کابل وحومه، بود که بمنظور نشان دادن عکس العمل در برابر اعمال خصمانه عمال رژیم نسبت باین عمل دلخراش، گرد آمده بودند تا با حضور خویش در صحنه با فـشاء رژیم منحط سلطنتی پرداخته وآنها مجبوره محاکمه افرادش نموده واز عملکردهای مشابه در آینده مانع گردند. آنها تصمیم داشتند تا جسد اصیل رابدوش گرفته به شهر ببرند و طی تظاهرات خیابانی یکجا با مردم خود این عمل فاشیستی دولت رافشاء نمایند؛ ولی به مخالفت احزاب «خلق» وپرچم مواجه گردیدند.

طرفداران جریان شعله جاوید بادو مخالف طرف بودند. یکی غند ضربه دولت که مجهز با تمام وسایل لازمه خود در برابر آنها موضع گرفته بود و دیگر عناصر ترسو، معامله گر، جبون وفرصت طلب «خلقی» وپرچمی که در تماس مداوم بانیرو های پولیس قرار داشته ومیخواستند از رفتن جریان بشهر ممانعت بعمل آورند. میت اصیل روبروی فاکولته ساینس در برابر حضار قرار داشت ودوتن از دکتوران ستاز (محصلان فاکولته طب که دوره ستاز (کار عملی) شان را میگذراندند وچندی بعد داکتر می شوند- هئیت تحریر) از نگاه طب عدلی تشریح نمودند که اصیل قهرمان از طرف عقب، جمجمه اش باچوب چنان ضربه دیده که مغز از دماغش بیرون جهیده ومنجر بمرگ وی گردیده است.

درین جریان قیوم «هبر» درین شعله ای ها و پرچمی- «خلقی» هابحث میانجی در رفت وآمد بود

ونظرات و پیشنهادهای طرفین رارویدل میگرد. پرچمی هایافشاری میگردندکه از تظاهرات جلوگیری نمایندواستدلال میگردندکه تظاهرات باحمل میت خلاف عنعنۀ مذهبی جامعه بوده وما منفوردرحالیکه خودآنها زمانیکه میراکبرخیبر (رهبر پرچم) چند روز قبل از کودتای ثور کشته شد «خلاف عنعنۀ مذهبی؟!» جنازه را حمل کرده وبر سرقبرش میتنگ دائر نمودند وعلیه رژیم داؤدخان شعار دادند- هئیت تحریر) مردم ، قرارمیگیریم . درحالیکه شعله ای هامیگفتند:دولت که خودرا دموکرات وپای بندقانون اساسی میداند دربرابر خواست معقول وبجاء شاگردان دست بخشونت زده وبابیرحمی و قساوت نوباوگان مردم رازخمی نموده و بقتل رسانده است ، این عمل دولت بایدمحکوم وافشاء گردد.وقتی پرچمی «خلقی» هافهمیدندکه دراقلیت قرارمی گیرندومورداعتراض هزارهامحصل ومتعلم خشمگین ومشتعل که قهروغضب شان درحال خارج شدن ازکنترول بودوحتمی بودن تظاهرات راتشخیص دادند، بالاخره تن برضاء داده وپذیرفتندتادرتظاهرات شرکت نمایند .

حالانوبت پولیس رسیده بودولازم بودیا وی در زمینه مذاکره صورت گیرد؛ زیرا چندین صف ازافراد مسلح پولیس در برابرآنهاایستاده وتامام راهها را بسته و سواره نظام و غنذضربۀ رژیم آمادۀ حمله و مقابله باآنها بودند. در اثرتماس های مکررکه صورت گرفت بالاخره پولیس پذیرفت که محصلان میتوانند میت رابامارش خاموش وبدون شعار دادن و حمل شعاربراه انداخته ،داخل شهر نموده و مستقیماً بمسجدعیدگاه رفته و مراسم فاتحه خوانی را اجراء نمایند.

محصلان برهبری شعله ای هایپیشنهاد پولیس راپذیرفته و حوالی ساعت نه ونیم صبح باشورو هلهله زیادبراه پیمائی آغاز کردند .

تظاهرکننده های خشمگین وپرشور را هیچ نیروئی نمی توانست ازشعاردادن و حمل شعارمانع گردد . آنهادرطول راه با ابراز خشم ونفرت ازدولت، پارلمان، امپریالیسم امریکایی وسوسیال امپریالیسم شوروی و رویزونیستهای «خلقی» - پرچمی و نیرو های اخوانی که به «اخوان الشیاطین» مسمأ بودند، شعار می دادندو نفرت وکینه بی حد خویش را نسبت بانها، ابرازمیداشتند و بحماییت ازطبقات محروم جامعه -کارگران ، دهقانان ، اهل کسبه و مأمورین پائین رتبه-شعار می دادند وآنها را برای اتحادو همبستگی بر ضد دولت فرا میخواندند .

دراین روزبودکه من عظمت . قدرت و نهراسیدن ازقربانی وعشق وعلاقه بیپایان به طبقات محروم جامعه وضدیت بادولت مستبد وطبقات حاکمه وپشتیبانان خارجی آنهااراد وجود شعله ای هاکه تجسمی ازپای مردی واستواری در مبارزه واهل کارویکار ورهروان درنبردها وکار زارهای شدید

طبقاتی بودند . دیدم و باین نتیجه رسیدم که عزم و اراده خلل ناپذیرو یافشاری روی مبارزه یک امرعساکانه تاجه اندازه بر محبوبیت وکسب پشتیبانی وسیع . می افزایشودشمن طبقاتی رابخواری وزبونی وامیداره .

تظاهرات پرشورروشمنفرکان کشورسیل آسابه پیش رفت وبابیوستن هزاران زن ومردمتعلق باقشارمختلف زحمتکشان جامعه خروشان ترگردید و لرزه براندام ارکان سلطنت مستبدوهمالگان بی مقدارشان انداخته وآنهارافکرجاره سازی وجلو گیری ازحرکتهای مشابه درآینده انداخت .

درمسجدعیدگاه شهرکابل نمایندگان شعله ای جاوید،افغان ملت، «خلق» وپرچم واخوان صحبتهای طولانی نمودند.همه میفهمیدندکه گفتار رویزونیست هاواخوانیهاعاری ازدصافت وهمدلیست .

برای اینکه میت اصیل قهرمان به زادگاهش انتقال شده وبخانواده اش سپرده شود، یک مقدار پول جمع آوری گردیدوازدروازه لاهوری یک موتر سرویس بکرایه گرفته شدو سیدقیوم وعلی یاور» بشیریار» به نمایندگی ازشعلۀ جاویدبا محمدعظیم «شکب» ازجریان افغان ملت - که درزندان از افغان ملیتیهافاصله گرفت وبه شعله ای جاوید سمپاتی پیداگرد- وتنی چندبه نمایندگی ازپرچمی هاو «خلقی» هاواخوانیهاروانۀ پکتیا شدند.

درطول راه درحوالی ولایت لوگرپولیس موتررا توقف داده وتابوت اصیل راگرفته گفت که ماآنرابخانواده اش میسپاریم ونمایندگان جریانات سیاسی راگرفتارنموده وآنهااردردفتراطفائیه ولایت کابل زندانی نمود بعدأبعضی ازآنها رارها وبقیه راتا شش ماه در زندان دهمزنگ درحبس نگاه داشت .

وقتی دستگیرشدگان راتوقیف کردند، اولین خواست دولت ازآنها این بودتائید نمایندکه اصیل بمرگ طبیعی مرده است . اگر آنهابااین خواست دولت تن داده ومرگ طبیعی ویراتائیدمیگردند، فوراًازحبس رهامیگردیدند؛ ولی این تنهاخوانی ها بودند که ازواقعبیت چشم پوشی نموده ونظردولت را تأیید کردند. آنها حوالی ساعت ده بجۀ روز ۲۵ ثور ازحبس رها گردیدند.بنابه اظهار «بشیریار» و سیدقیوم وعظیم «شکب» صبح وقت دو تن مولوی که متعلق بخانواده مجددی درقلعۀ جواد بودند ولباس فاخرسفیدبتن داشتند ، در محوطۀ اطفائیه دیده شدندوحیبب الرحمن اخوانی ویکتین ازرفقاء زندانی وی راگوشه نموده وبعد ازگفتگوی مختصرآنها را فهماندندکه گویا با «کمونیستها» چراهمصددا شده ایدوراه شما کاملاً از آنهاجداست وبهتراست بگوئیدکه اصیل بمرگ طبیعی مرده است تازمینۀ رهائی شما فراهم گردد .

طوریکه علی یاور «بشیریار» بعدها ،قصه نمود وقتی بطرف اطاق حبیب الرحمن رفته وی درهمان لحظه ازاطاق برآمده ومرامخاطب قرار داد «علی یاوره دا کار د کرو و ؟» . یعنی «علی یاور:

کاری که ماکردیم ازکردن بود؟» « این جملات راجنان باترس وواهمه آمیخته باجبن ووحشت،اداءنمودکه ازسرپایش تسلیم وی غیرتی محسوس بود.ازاداء آن کلمات فهمیدم که حضرت صاحبان آنهاراسخت ترسانده است که اگر گپ خودرانگیرند،دولت آنهاراسخت مجازات خواهدکرد. قابل یادآوری است که این گفته حیبب الرحمن راکه اخوانی ومحصل فاکولتۀ شرعیات بود برسبیل ساعت تیری ویادی ازخاطرة آنروزها با دوستان سالها، تکرارمیکردیم وباهم میخندیدیم.

یادملی یاورکه بدست جلالان «خلقی» کشته ونابدیدگردید . همیشه باماو جاویدانه خواهدبود .

روز ۲۵ ثورپوهنتون کابل صحنۀ تظاهرات و گردهم آئی عظیمی بود. میت اصیل شهیدراکه پولیس ازوسط راه گرفته بود، معلوم نگردیدکه باآن چه کردند؟ و اشخاصی راکه تابوت را بطرف زادگاهش همراهی مینمودند، دستگیر (باستثناء اخوانی هاکه رهاشدند) ، ودرعمارت اطفائیه که درعقب ولایت کابل قرارداشت زندانی وتحت مراقبت ونظهداری قرار گرفته وانتظارآینده نامعلوم رامیکشیدند .

تاجائیکه درحافظه ام مانده اشخاص ذیل ، زندانی بودند : علی یاور«بشیریار» و سیدقیوم محصلین تعلیم وتربیه،عظیم «شکب» از فاکولتۀ ساینس ، خلیل «زمر» و ذبیح الله «عصمتی» وفرید «شایان» ازفاکولتۀ حقوق .

طوریکه درآنوقت گفته میشدسیدقیوم وعلی یاور» بشیریار» نمایندگان شعلۀ جاوید، عظیم «شکب» مربوط افغان ملت ، ذبیح الله «عصمتی» ازصدای عوام،خلیل «زمر» پرچمی وفرید «شایان» مربوط مساوات بودند .

محصلان پوهنتون کابل بروز ۲۵ ثوراین خواسته های مشخص رایبان داشتندوبرای رسیدن وبر آورده شدن آنها، طرفدار تظاهرات خیابانی ورفتن به شهربودند .

۱- مسؤولین حمله بمکتب ابن سینا و مسبین آن-که بتعدادبی شمارزخمی وکشته بجا گذاشت- تحویل محکمه گردیده وبکیفر اعمال شان رسانده شوند .

۲- خواستههای برحق شاگردان مکتب ابن سینابرآورده گردد .

۳- دستگیرشدگان که دراطفائیه توقیف میباشند، رهاگردند.

۴- دولت وعده دهدکه درآینده دست به عملیات خودسرانه وغیر مسؤلانه نزند.

شعله ای هاطرفدارتظاهرات خیابانی بوده وپا فشاری مینمودندکه تابرآورده شدن خواست های معقول وبرحق خود،خواهند رزمید. پرچمیها زیر عنوان «دموکراسی درخطرست» اصلأطرفدار تظاهرات نبودندودرنهایت راه اعتصاب غذایی وماندن درپوهنتون راپیشنهاد نموده وازطریق

سهم گرفته و صدای اعتراض شانراگسترش دادند. **تظاهرات چندین ماه بطول انجامید و باعث بسته شدن دانشگاهها و کودامور گردید. درین میان دولتی که خود را طرفدار دموکراسی وانمود میکرد و پارلمان آن برای یکدفعه هم که شده بحمايت از روشنفکران کشور صدای شانرا بلند نکرده واقدام به همسکاری با آنها نمودند که این کار هرچه بیشتر چهره کریسه و ضد دموکراتیک شاه و شورانشینانش را به توده های مردم جامعه افشا نمود.**

پرچمیها و «خلقی

«ها هر قدر با فریادهای ناامید کننده که گویا

دموکراسی در خطر

است و با هم با اعتصاب

غذائی دست میزدند

تا خود را گویا طرفدار

خواسته های برحق

پیشنهاد شده محصلان

، وانمود نمایند، ولی

رسوایی برنامه های

سیاسی حزب

دموکراتیک «خلق»

که دوشاخه آن «خلق»

و پرچم بودند، در عمل

بامتحان گرفته شد و

ماهیت مبارزاتی پارلمانی و مسالمت جویانه شان

که بیان رویز یونیسف خروشچفی بود، برای

میلیونها نفر از مردم افغانستان، افشاء گردیده

و فرمان محکومیت شان عملاً داده شد.

دولت که نتوانست در جریان دونیم ماه،

اعتراضات محصلان را خاموش سازد و بخواسته های

شان جواب قانع کننده دهد، بتاريخ ۱۵ اسد که

رخصتی تابستانی پوهنتون بود، پوهنتون راتا

امردوباره تعطیل اعلام نمود و تا پایان رسیدن

رخصتی تابستانی حاضر نگردید که بخواست

محصلان تن دهد و در ماه میزان با بخش اعلامیه،

شروع پوهنتون کابل را اعلام داشت و زندانیان

سیاسی را هم آزاد نمود.

طوریکه از بیان حوادث تاریخی در پوهنتون

کابل که به ۳۵ سال قبل بر میگردد، واضح میشود

که احزاب خلق و پرچم که با هم برادر بودند و با

اخوانیها برنامه های سیاسی متفاوتی داشتند؛ ولی

در عمل بحیث جانبدار و پشتیبان دولت و پارلمان

فعالیت مینمودند.

احزاب خلق و پرچم که خواهان نفوذ و سلطه

شوروی آن زمان در افغانستان بودند باین باور بودند

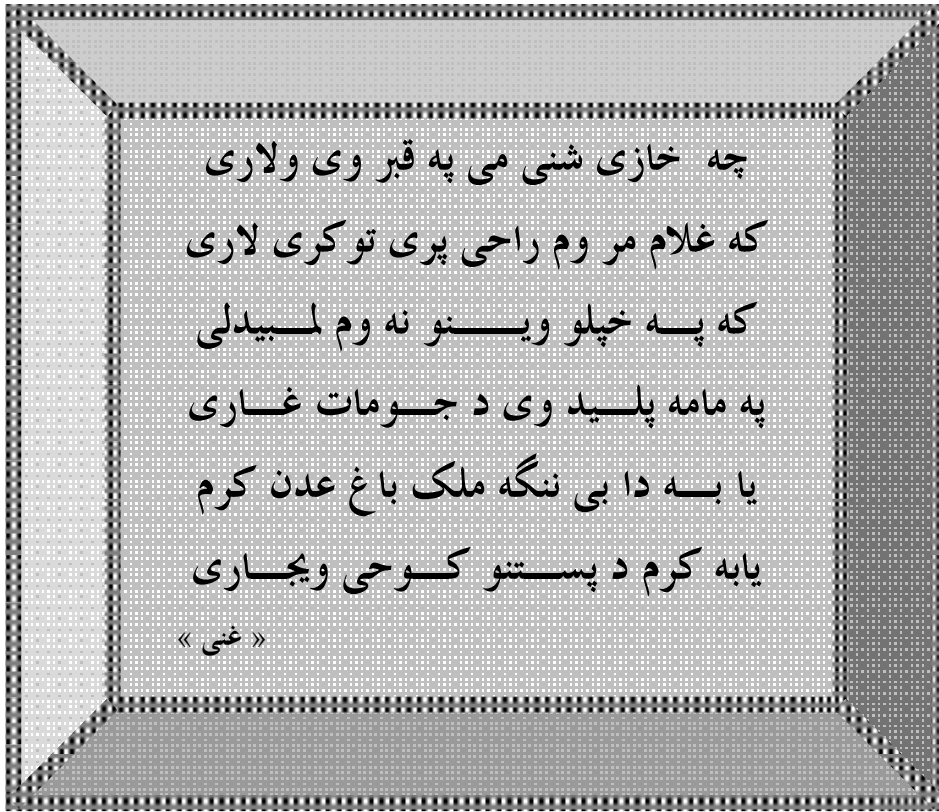
و کوب کرد که شدیداً زخمی گردیده و تاسویه بی سیرتی حنک حرمت شدند.

در این اثنا که شعله ای هابهر طرف در تلاش نجات بودند مورد حمله گروهی پرچمیها قرار گرفته، لت و کوب و زخمی میشدند. بعضاً اتفاق می افتاد که مهاجمین پرچمی مورد حمله شعله ای هاقارمی گرفتند. در جریان این حوادث خونین چندین نفر

عریضه فرستادن به پارلمان میخواستند بخواست های محصلان رسیدگی شود. آنها از طرف رهبری خود فرمان گرفته بودند که بهر قیمتی که شده مانع رفتن بشهر گردند و در پوهنتون باقی بمانند و تصمیم گرفته بودند (در صورتیکه نتوانستند مانع رفتن جریان شوند) که با «خلقی» هادر عقب صف جای بگیرند و وقتی که شعله ای هابرای رفتن بشهر با پولیس روبرو شدند، آنها را تنها گذاشته و در قسمت کوه علی آباد عقب نشینی نمایند تا از حمله پولیس مصون گردند؛ زیرا می فهمیدند که بر خورد با پولیس حتمیست.

شعله ای هابهمکاری و شرکت فعال محصلان و متعلمان مکاتب که سربه چندین هزار نفر میزد، نتوانستند صف نیرومند پولیس را درهم شکنند. آنها از یکطرف در مقابل نیرو های پولیس که باتمام قوا و احضارات فوق العاده و صد برابر روزهای قبل تمام راه های بیرون رفت از پوهنتون را سد نموده بود، روبرو بودند و در داخل صفوف تظاهر کنندگان با توطئه و پلان مخفی پرچمیها و «خلقی» ها که بعد از حمله پولیس افشا گردید، مواجه بودند. دقایقی بعد از پشت سراز

فاصله دور پرتاب سنگ توسط توطئه گران پرچمی - خلقی که گویا پولیس را نشانه میگیرند، شروع شد که باعث ایجاد سراسیمگی در صفوف گردید. پولیس هم از پیش رو با پرتاب سنگ و لت و کوب تظاهر کنندگان، بعمل بالمثل دست زده و این پلان چنان بسرعت و برق آسا عملی شد که آن عده از رهبران شعله ای تظاهر کننده را که با پولیس گفتگو داشتند، غافلگیر نمود و تظاهر کنندگان در بین پولیس و توطئه گران درگیر ماندند. درین وقت پرچمیها راه فرار را در پیش گرفتند و تظاهر کنندگانی که در صف اول مقابل فاکولته ساینس قرار داشتند مجبور به درگیر شدن با پولیس مهاجم، شدند و در عین حال با بقیه عقب نشینی نموده خود را بدرس خانه ها، ادیتریوم، جمنازیوم سپورتی و لیلیه پوهنتون و عده که امکان رفتن بسوی فاکولته هارا داشتند بطرف فاکولته های انجینیبری و زراعت حتی تا جمال مینه و وزارت زراعت خود را رساندند. پولیس تا توانست از شدت عمل کار گرفته، با چوب، سنگ و مشت و لگد هر کسی را که گیر میآورد تا سرحد بیهوشی لت و کوب میکرد. **هتی چندین دختر محصل را چنان لت**



چه خازی شنی می په قبر وی ولاری
که غلام مر و مراحی پری تو کری لاری
که په خپلو وینو نه وم لمبیدلی
په مامه پلید وی د جومات غاری
یا به دا بی ننگه ملک باغ عدن کرم
یابه کرم د پستنو کوحی و یجاری
« غنی »

زندانی شدند و تعداد زخمی هایی حساب بود.

نور احمد اعتمادی (صدر اعظم) با این حمله بی شرمانه و بزدلانه بالای پوهنتون و ضرب و شتم محصلان و هتک حرمت به دختران دانشجو، لقب فاتح پوهنتون را، کمائی نمود.

خبر حمله سبعانه پولیس بالای محصلان پوهنتون و شاگردان مکاتب کابل و بی تفاوتی شاه و پارلمان در برابر آن اعمال بزودترین فرصت بانصاً نقاط کشور رسیده و اولیاً محصلان و شاگردان رادر ولایات در اندیشه کشته و زخمی شدن جگرگوشه های شان. انداخته و در تلاش تماس و خبرگیری از چگونگی قضیه در مرکز کشور. نمود.

اینکار دولت نه تنها محصلان را به عقب نشینی و تسلیم وادار نمود؛ بلکه از فردای آن روز تظاهرات در سطح روشنفکران کشور و در تمام مؤسسات تعلیمی و ادارات دولتی و در بین اقشار مختلف جامعه گسترش یافته و به تظاهرات هر روزه آنها مبدل گردید. درین تظاهرات نه تنها محصلان و متعلمان که استادان و معلمان، مأمورین پائین رتبه دولتی و اهل کسبه و کارگران به پیمانۀ زیاد

و پافشاری داشتند که «کمکها» و قرضه های شوروی در جهت پیشرفت افغانستان بوده و برای حکومت دموکراتیک ملی و عدالت اجتماعی در افغانستان مفید و پر ثمر بوده و نمایندگان این احزاب درولسی جرگه بطرفداری از برنامه های اقتصادی و اجتماعی رأی میدادند که از طرف شوروی تمویل میشد. طرفداران غرب بطرفداری از غربی ها بعمل بالمثل دست میزدند و «کمک های» غرب رادر پیشرفت کشور مفیدی دانستند و «کمکهای» شوروی را «کمونیستی» و نفوذ شوروی رادر افغانستان بضرر جامعه ارزیابی می نمودند.

قابل یادآوری میدانم که امروز محصلان پوهنتونهای افغانستان زیر فشار شدید و چند لایه ای قرار دارند. اشغال کشور، محرومیت های چند جانبه ، نداشتن امکانات درست و معقول تعلیمی و لیلیه ای آنها را مجبور نموده تادست به اعتراض برضد فشار و زور گوئی دولت مداران و قوای امنیتی بزنند.

محصلان وقتی میتوانند که به پیروزی برسند و خواسته های شان برآورده گردد که سیاست دولت مزدور را بشناسند و باین باور باشند که این دولت یک دولت مزدور و در خدمت امریکا و طبقات بالائی جامعه بوده و سیاست های آن برضد منافع مردم و از جمله روشنفکران میباشد و محصلان زمانی میتوانند به پیروزی برسند که در اتحاد و هماهنگی با مردم خود علیه قوای متجاوز و مزدوران شان مقاومت و مبارزه نمایند. به امید چنین روزی

کودتای ثور را چه کسانی ...

از همین جا است که شورویها برای از بین بردن داؤدخان بشخص غلام حیدر رسولی که سمت وزارت دفاع رابعهده داشت مراجعه نمودند ، غلام حیدر رسولی یک شخص خودخواه، مقام پرست، و تعلق قومی اش محمدزائی بود و اطرافیان خانوادگی اش پرچی، بودند و بهتر میتوانست برای شورویها خدمت نماید و اگر پلان کودتا ناکام هم میگردد، شورویها نیروی اصلی خود را از دست نمی دادند و همه آنها از معرکه جان سلامت میبردند .

پلان کودتا را صلاحاً در ریاست آریانا با اشتراک نجیب رئیس آریانا و جنرال قادر امر مسلخ ، سرهمبندی گردید .

نجیب رئیس آریانا و داماد رسولی بود و جنرال قادر هم ببهانه و پوشش بستن قرارداد گوشت مسلخ برای آریانا با انجام میرفت. مشاوران شوروی هم ببهانه اینکه مواد مورد ضرورت راتهییه مینمایند با نجا در آمد و شوبودند. آنها در حقیقت بمنظور بحث پیرامون پلان کودتا بدفتر آریانا میرفتند و صحبت های شان از طریق نجیب به خسرش رسانده میشد .

وقتی داؤدخان بروزهفت ثور مجلس کابینه را دایر نمود شخص رسولی وزیر دفاع در آن جلسه حاضر نبود. رسولی برای اینکه قول اردو های ولایات را عاقل سازد و آنها نتوانند در جریان حوادث قرار گیرند، با آنها امر داده بود به نسبت اینکه داؤدخان توانسته است، رهبران «خلق» و پرچم رازندانی نماید ، در داخل قشله های عسکری باداثر نمودن محافل بسرور و شادی بپردازند . که این دلیل برای دایر نمودن همچو محافل خیلی بيمورد و مسخره بود .

صاحب منصبان خلقي و پرچی برای اینکه خود راقهرمان معرکه معرفی کنند هر یک بنوبه از هوشیاری و زرنگی خود قصه نموده که چنین کرده و چنان نموده اند .

اسلم وطنجار که رهبری قوای تانک بسوی ارگ رابعهده داشت، مینویسد: که عریضه به وزارت دفاع پیش نمود تا اجازه دهد برای جلوگیری سوء حادثه برضد دولت باتریهای ده تانک راجایا سازد و حالت آماده باش راداشته باشد، که وزیر دفاع آنرا قبول میکند و وطنجار طوریکه ادعا مینماید، شمار (۱۰) تانک رانوشته ووی آنرا با علاوه کردن یک صفر (۱۰۰) ساخت. (۹!)

اولاً وطنجار یک «خلقي» بود و هم وزیر دفاع از او شناخت کافی داشت و شخص وطنجار اگر از روی پلان (۱۰) را اینطور نوشته بود، وزیر دفاع آنقدر ساده نبود که این درخواست را بآن شکل بپذیرد، مگر اینکه هر دو از قبل باهم قرار و مداری داشتند .

وقتی تانکها بروی سرکها بحرکت آمدند و رادیو افغانستان، ارگ و وزارت دفاع را بمحاصره گرفتند در ریاست آریانا نجیب ویکی دوتن بشمول زمري نام پرچی، از زینه های منزل بالائی بیائین می آمدند. شخص رئیس توسط یکی از کارمندان بلند پایه آریانا مورد سؤال قرار گرفت که «رئیس صاحب این چه حالست؟». مقصد کارمندان بود که بفهمد داماد وزیر دفاع و گراداننده ریاست آریانا درین باره چه اظهار نظر مینماید و چطور جریان وقایع را دنبال میکند. وی هیچ نوع عکس العملی نشان نمیدهد و ظاهراً بی تفاوت بنظر میرسید، در حالیکه بی تفاوتی رئیس آریانا در آن موقع غیر عادی و سؤال برانگیز بود و نشان میداد که آقای رئیس قبلاً در جریان حوادث قرار داشته است و رنه مقام وی و خسرش و وابستگی های خانوادگی همه ایجاب این رامی نمود که بعوض خونسردی و بی تفاوتی ، به تپ و تلاش بپردازد. درین اثنا، زمري میخانیک آریانا بجواب کارمند پرداخته و در حالیکه سگرتی در بین انگشتانش قرار داشت باخنده مستانه و شادی کنان میگوید که «بازمی بینی» که این خوددال بر با خبر بودن جریان کودتا از جانب وی میباشد و مطمئن بود که پیروزی نصیب شان

خواهد شد . البته قابل یادآوری میباشد که رسولی بحیث وزیر دفاع و نفر شماره یک از کابینه داؤدخان شخص قدرتمند و خیلی نزدیک به داؤدخان که باید جای داؤدخان رامیگرفت، در خدمت KGB قرار میگیرد و بحیث تماشاچی باقی میمانند و در جریان کودتا از رهبری دور، قرار میگیرد . از اینکه شخص بد نام، مستبد و نزدیک بخاندان بود و شورویها توانستند از وی و دامادش کار خود را بگیرند، در اولین فرصت او و دامادش را که وقت مصرف شان سرآمده بود به کشتن انجنیر آریانا متمم نموده، تیر کردند و برای کودتا چیان باصطلاح نام نیک را کمائی کردند که این اشخاص مستبد را از بین بردند .

وقتی کودتا صد درصد به پیروزی رسید و شوروی ها از برانداختن مخالفین خود مطمئن شدند بعد از سه روز درخفا نگه داشتن باصطلاح رهبران کودتا در شام ۳۰ اپریل آنها را بمردم افغانستان ، معرفی نمودند .

بعد از آن، هر یک از آنها به مبالغه گوئی پرداخته و خود را رهبر و قوماندان کودتا، معرفی کردند و برای خود داستانها ساختند ، که برآستی سهم خود را اداء نموده اند، ولی هیچکدام آنها رهبر و همه کاره نبودند؛ بلکه زیر نظر (K.G.B) ، قرار داشتند و موازی با آن حرکت میکردند .

خوانندگان محترم خپلواکی!
کمک های مادی و معنوی شما ضامن ادامه حیات نشریه خپلواکی است . با کمک های مالی و مساعدت های قلمی خویش نشرات خپلواکی را زنده نگاهدارید . اگر کمک های مالی شما نباشد ، نشرات خپلواکی دچار سکتگی خواهد شد .

د دموکراسی شورا او ورسره متحدین ئی د «خلق» اوپرچم په شان وطن فروشان دی

قانون جدید مهاجرت ...

جمعی از ایرانیها، افغانها، ترکها و آلمانیها که مربوط بسازمانهای مختلف دموکراتیک و آزادیخواه بودند، مانع از این عمل ضد بشری نظام حاکم در آلمان گردیده و توانستند فرمان رسمی دولت آلمان را ملغی سازند.

بنابه گزارش یکی از مسؤولین سازمان هشت مارس (ایرانی - افغانستانی) { فشرده متن گزارش رادین جانقل مینمایم تا برای مهاجران ثابت گردد که مقاومت و مبارزه نتیجه درخشانی را بدنبال دارد. } « رویهم رفته بیش از ۲۰۰ نفر در آکسیون شرکت کرده بودند. رویهم رفته ۶۹ نفر دستگیر شدیم و به بازداشتگاه منتقل شدیم. در زندان ۱۸ - ۱۷ ساعت بدون آب و غذا و بدون پتو بودیم. سلولها هم غیر عادی سرد بود. در سلول ها همه بطرز عجیبی تقسیم کرده بودند. در یک سلول ۱۴ نفر، در یک سلول بزرگ فقط یک نفر. در سلول ما ۴ نفر بودیم. رفتار پلیس بسیار وحشیانه بود، بخاطر همین همگی تا صبح به در سلولها می کوبیدیم. بالاخره به یکی دو نفر آب دادند، به یکی دو نفر پتو. به چند نفر هم کفش هاشان را پس دادند. (کفش ها را گرفته بودند به این بهانه که بایند کفش خودکشی میکنند). یکی از بچه های هشت مارس را موقع توالی رفتن بحدی وحشیانه هل دادند که زخمی شد. حتی اجازه تلفن کردن هم به کسی ندادند که این مغایر قانون آلمان است.

برخی از شرکت کنندگان افغانستانی و ایرانی کارت اقامت و ویزای معتبر نداشتند. بعضی پناهجو بودند و حق نداشتند بدون اجازه از ۱۰۰ کیلومتری کمپ شان خارج شوند. ولی همه بخاطر مبارزه با این دیپورت غیر انسانی به فرودگاه آمده بودند و خودشان را در خطر انداخته بودند. اینکه مردم بخاطر مبارزه خودشان را به خطر می اندازند، دیدن دختران جوانی که در این اعتراض شرکت کرده بودند و تعدادشان هم کم نبود این امید را به ما می دهد که بتوانیم جلوی دیپورت ها را بگیریم.

اعلامیه های هشت مارس به زبانهای آلمانی و فارسی به وسعت در بین مسافرین پخش شد. ترکیب بین المللی شرکت کنندگان در اعتراض چشمگیر بود. تعداد زیادی از افغانستانی های مقیم فرانکفورت که توسط فعالین هشت مارس از دیپورت و آکسیون مطلع شده بودند در این اعتراض شرکت داشتند. یکی دیگر از فعالین جوان هشت مارس که با گروه هنری شورش نیز همکاری میکند به اعضا این گروه اطلاع داده بود و در نتیجه بسیاری از اعضا این گروه در این آکسیون شرکت داشتند. حدود ۱۷ نفر از اعضا این گروه دیشب دستگیر شده بودند که امروز صبح آزاد شدند. گروه هنری شورش از جوانان کرد ایرانی، عراقی و ترکیه ای تشکیل شده است و در کنار کار هنری، فعالیت سیاسی نیز میکنند.

نظام و تحکیم و تداوم حاکمیت صاحبان زروسیم همواره کوشیده اند در چوکات قوانین شان حقوق زحمتکشان را محدود و آنها را اوارانجام کارهای شاقه نموده و برده واریکار گمارند؛ ولی کارگران و زحمتکشان همواره بمقاومت و مبارزه روی آورده و بزور حق و حقوق شان از نظامهای استبدادی، گرفته اند. امتیازات اندکی که کارگران و زحمتکشان اعم از زن و مرد در کشورهای سرماییداری دارند، محصول مبارزات چندین قرنه آنان در برابر قوانین و مقررات نظامهای حاکم بوده و در این راه هزاران انسان جان شان را از دست داده و مشکلات زیادی را متقبل گردیده اند. در پهلوی آن نظامهای ستمگر همواره کوشیده اند تا با توسل بزور، زور تر فندهای مختلف جلواتحاد و پیشرفت مقاومت آنها را گرفته و در بین صفوف آنها هم گسختگی ایجاد نمایند تا بدین وسیله بتوانند اهداف شان را به پیش برده و آرزوهای شان نایل آیند و حاکمیت نظام های پوشالی شان را دوامدار سازند. نظامهای حاکم در پهلوی این ها با طرح نمودن ریفرمها و اصلاحات نیز کوشیده اند اهداف شان را بر آورده نمایند، دادن امتیازات ویژه به عده از کارگران و بدین وسیله تلمیع نمودن آنها نیز راه دیگری برای دست یافتن با اهداف ستمگرانه شان میباشد؛ ولی همواره مقاومت و مبارزه کتلی زحمتکشان توانسته است نقشه های ستمگران را با خاک یکسان نموده و آنها را با تمام توانائی های شان به شکست مواجه نماید.

پس میتوانیم صریحاً اظهار نماییم که یگانه راه مقابله بانظامهای زور گو و ستمگر مقاومت و مبارزه است. راه دیگری وجود ندارد.

مهاجرین بخصوص مهاجرین مقیم آلمان نباید تحت تأثیر قوانین و قواعد مطروحه توسط این دولت رفته و دست از مقاومت بردارند؛ باید در برابر این احکام ایستادگی و مقاومت نموده و مبارزه نمایند.

بتاریخ ۱۰ فروری دولت آلمان میخواست زهرا «کاملی» زن ایرانی را که قبلاً با اساس قانون کشور آلمان از شوهرش جدا گردیده و شوهر سابق با دخترش در ایران زندگی مینمود، تحت نام اینکه در ایران برایش مشکلی وجود ندارد، توسط طیاره لوفت هانز از میدان هوایی فرانکفورت بایران بفرستد.

(در حالیکه هرگاه پای زهرا به ایران میرسد، بجرم جدائی « نامشروع » محاکمه و سنگسار میگردد.) تمام کارهای مقدماتی انجام یافته بود و ساعت ۶ صبح سربازان زهرا «کاملی» را دست بسته بمیدان هوایی بردند - در حالیکه قرار بود طیاره عصر آنروز پرواز نماید، اما مقاومت زهرا و پشتیبانی پیگیر و شجاعانه

بوجود نیامده بود. فقط در دهه اخیر قرن بیستم بود که دولت بکار خارجی هاد حالت نموده و محدودیت هایی را در کار آنها بوجود آورد که بر مبنای آن کار خارجیها درجه بندی شد و آنها مکلف بکارهای شاقه و پر زحمت، گردیدند.

با وجود آمدن قوانین «رفرم در بازار کار»، نیروی کار ارزان گردید و این ارزان سازی کار بشکل روز افزون ادامه یافت. همزمان با این شرایط قانون مهاجرت در اواسط سال گذشته وضع گردید و از اول جنوری امسال با اجرا گذاشته شد.

باساس قانون جدید خارجی ها مکلف بکار دائمی شدند. قانون جدید شرایط خاصی را وضع نموده و پذیرش خارجی ها را بحیث مهاجر دائمی مقید بکار نمود. یکی از احکام قانون جدید مهاجرت این است که زمانی یک فرد خارجی می تواند ویزای دائمی دریافت نماید که حداقل پنج سال به دولت آلمان مالیه پرداخته باشد.

خارجی ها ئیکه پناهندگی سیاسی و یا اجتماعی شان پذیرفته نشده و دولنگ Duldung میگیرند تا زمانی که شرایط بازگشت بکشور را پیدا می نمایند نمیتوانند تحت شرایط ویژه در آلمان، اقامت نمایند؛ ولی بمحض اینکه دولت آلمان تشخیص داد که مشکلی برای بازگشت آنها وجود ندارد مکلفند تا در اسرع وقت خاک آلمان را ترک نمایند. آنها حق گرفتن وکیل (در قانون سابق گرفتن وکیل و دعوی مجدد، مجاز بود) و دعوی برای معطل کردن یا بتعویق انداختن سفر شان را ندارند و اگر از حکم ابلاغ شده سرپیچی نمایند، پولیس و وظیفه دارند تا آنها را دستگیر نموده و مانند مجرمین با آنها رفتار نمایند و آنها را در اردوگاههای ویژه تا زمان اخراج رسمی، زندانی نموده و تمام روابط اجتماعی شان را قطع و مانند حیوانات با آنها رفتار نماید.

در شرایطیکه تعداد بیکاران رو با افزایش و مزد کار بطور روز افزون رو بکاهش میباشد و روز بروز بر ساعات کار کارگران افزوده شده و بیدانمودن کار برای خارجیها هر چند دیگر محدود نیست؛ اما مشکل است. همچنان کاریک عضو فامیل تکافوی زندگی خانواده را نموده و پیشبرد زندگی در کشور آلمان برای کارگران مشکل تر گردید است.

قانون همواره یکی از پوشش ها و وسایل مطمئن و کارآمد برای نظامهای امپریالیستی و دولت های ارتجاعی بمنظور مهار نمودن و تحت تسلط نگاه داشتن زحمت کشان بوده و آنها توانسته اند تا جائی جلومبارزات و مقاومت زحمتکشان را بدینوسیله سد نماید. قانون نویسان نظام امپریالیستی بخاطر حفظ

مقام زن راگرامی ...

ازدواج نماید و با تاپایان عمر در خدمت والدين شوهر قرار گرفته و تحت نام «شوم» و «سرخور» بودن مورد توهين و تحقير هميشگي آنها، قرار گيرد.

پاين بودن سطح دانش در جامعه بطور كل، زمينه درك عوامل ودلايل موجوديت اين سنن و عنعنات و ستمگري هاي موجود در اتمام اقرار جامعه بخصوص زنان گرفته و نميگردد تا آنها بمقاومت و مبارزه آگاهانه و متشكل عليه اين نابساماني ها، روي آورده و در شاهراه پيروي گام نهند.

اين سنن و عنعنات قرون وسطاني توسط نظام حاكم نه تنها محذود و نابود نميگردد، بلكه تقويت و تاينه هم ميگردد. زنان كه در تحت اين شرايط قرار ميگيرند راهي بجزاز خودسوزي نمي يابند.

آمار خودسوزي زنان طی سال گذشته بحدی بالا رفت که رسانه های خبری امپریالیستی آنرا انعکاس داده و اظهار نگرانی کردند و اسماعیل خان والی سابق هرات و وزیر فعلی دولت کرزی اظهار نمود: «زنان از «آزادی» سوء استفاده نموده و دست بخودسوزی میزنند.» و از مأمورین امنیتی و مسؤلین شفاخانه هرات خواست تا از گذاشتن زخمیهایی سوخته، به شفاخانه جلوگیری نمایند.

همچنان نامبرده زمانیکه در «دولت اسلامی باراول» امیر عمومی حوزه جنوب غرب بود، خطاب بزنان هرات و منطقه تحت سلطه اش چنین گفت: خواهان ما باید این شهامت را داشته باشند که بخاطر پاسداری از خون شهداء ریش های شوهران شان را تحمل نمایند سپس حکم دولتی گذاشتن ریش را صادر و به تمام مؤسسات دولتی، فرستاد که «**ریش مکتوبی**» مشهور گردید.

نظام حاکم که خود را حافظ منافع زنان قلمداد مینماید با این اعمالش چهره کریه امپریالیسم و ارتجاع را که سرتو یک کرباس اند، به زنان افغانستان و جهان می نمایاند و به آنها هشدار میدهد که آنچه ما میخواهیم انجام میدهم و شما محکوم به پذیرش دساتیر و قوانین ما هستید.

زنان افغانستان بخصوص قشر روشنفکر و باسواد باید با کار و پیکار شبانه روزی به بالابردن سطح درک و فهم زنان جامعه پرداخته و آنها را با واقعیت های موجود آشنا ساخته و متوجه سازند که در برابر آنها نهاد دوار و وجود دارد: یاتن به ذلت دادن و پذیرفتن تمام قوانین و فرمان های نظام حاکم بر جامعه و یا پناه خواستن و مقاومت نمودن و مبارزه کردن در برابر امپریالیست ها و مزدوران آنها.

تنها با مقاومت و مبارزه است که زنان کشور می توانند برابر اشغالگران و مزدوران آنها و سنن و عنعنات رایج بر جامعه دایرانه بایستند و از خود و حقوق خود دفاع نمایند و تنها با مبارزه مشترک، متشكل هدفمند و رهبری شده زنان با مردان است که انقلاب اجتماعی میتواند در کشور ما بر پاو در نهایت پیروز گردد. آتوقت است که افغانستان گورستان امپریالیستهای اشغالگرمزدوران آنها گردیده و مردم ما آزادی واقعی را بدست آورده و می توانند نظام دلخواه شان را در کشور وجود آورند.

بوده و در رنج، محنت و خواری همیشگی بسر میبرد. ناگفته نباید گذاشت اینکه زنان افغانستان در طول تاریخ همواره در کنار مردان علیه تجاوز گران ستمگرو ستمگران بومی بمقاومت و مبارزه پرداخته و از ازمای وطن و حقوق شان دفاع نموده اند؛ اما بعلت نبودن نظم و اتحاد و رهبری مردمی، تلاش های آنها نتوانست به نتیجه مطلوب رسیده و خواسته های آنها را تحقق بخشد.

جنگ میوند در ماه جون ۱۸۸۰ توسط مردم دلیر و وطن پرست افغانستان بر ضد قوای متجاوز انگلیس (در منطقه میوند) اتفاق افتاد. در این جنگ که حکومت انگلیس را بلرزه در آورد، زنان افغان بحیث پرستار، سقا و رزمنده در کنار مردان می جنگیدند ملالی شیر زن افغان در میدان جنگ بیرق سپاه ملی را به عوض بیرق دار کشته شده به شان گرفته و با آواز رساو بر طنین با خواندن این دوبیتی (بزبان پشتو)، جوانان رزمنده را بوجد آورده و نیروی تازه بخشید که در نتیجه جنگ بفتح نیروهای ملی خاتمه یافته و قوای تاندان مسلح انگلیس شکست خورده و وادار به ترک افغانستان گردیدند:

**خال به د یار له وینو کسیر دم
چه شنکی باغ کسی گل گلاب و شرموینه
که په میوندکی شهید نه سوی
خدای رو لایبه بی ننگی نه دی سائینه
(از خون معشوق خال سرخ در رخسار میگذارم
خالسی که در باغ سبز گل سرخ را شرمنده سازد
اگر در میوند شهید نشوی**

بدانی که برای بی غیرتی زنده خواهی ماند.
در زمان حاکمیت چهارده ساله شورویها و مزدوران شان و در زمان حکومت جهادی ها و طالبی هاین زنان به پیمانۀ وسیع علیه اعمال ستمگرا نه و ضد بشری رویونیسیها، خوانیها و هوا بیها بمقاومت و مبارزه نموده و از وطن و حقوق خود دفاع نموده اند. حالاکه افغانستان تحت اشغال قوای امریکائی و ایساف قرار دارد و دولت متشکل از فرماندهان و قوماندانان جنایت پیشۀ حاکم در دوره های گذشته و کرزی و دیگر مزدوران، توسط آنها بوجود آورده شده و ادعای اعاده حقوق زنان را دارد. بهیچ وجه به زنان حقوقی داده نشده و اثری از آزادی، وجود ندارد. در طی حاکمیت قوای امریکائی نیز زنان در اقصا نقاط کشور علیه اعمال ضد بشری قوای اشغالگر و نوکران شان بمقاومت پرداخته و دست بمبارزه انفرادی و دستجمعی زده و میزنند.

مشکلات بزرگی که زنان افغانستان با آن مواجه اند، از یک طرف فقر اقتصادی و فرهنگی و از طرف دیگر موجودیت رسوم و عنعنات رایجی است که با اساس آن، دختران در سنین پائین و طفولیت جبراً بشوهر (سن شوهر مطرح نیست، هر مردی که پول بیشتر ببرد از دچانس بیشتر برای ازدواج دارد. فرق نمیکند که دختر زن چندم وی باشد!) داده میشوند و دختر مجبور است تحت شرایط سخت بزندگی شاقه و مشقتبار ناشوئی شروع نموده و به پرستاری از مرد و خانواده اش و اطفالی که پی در پی می زاید، مشغول و از هر گونه حقوق انسانی محروم گردد و هرگاه بدلیلی شوهرش کشته شده و یا بمیرد، زن مجبور است بایکی از نزدیکان شوهر

است و در کنار کار هنری، فعالیت سیاسی نیز میکند. بیش از ۵۰ جوان آلمانی نیز از شهر گوتنگن به همراه واحد هشت مارس این شهر برای شرکت در آکسیون به فرانکفورت آمده بودند.

مقاومت و مبارزه دو صد نفر توانست حکم اخراج دولت آلمان را لغو و خنثی سازد چنانچه «بتاریخ پنجشنبه ۱۷ فبروری اتوشیلی وزیر داخله آلمان صریحاً بر آنز نمود که حکم اخراج زهرا کاملی لغو میشود در حالیکه همین اتوشیلی چند روز قبل از اخراج زهرا گفته بود که در تماس تلفنی که با وزیر خارجه ایران گرفته دولت ایران قول داده است که به زهرا کاری نداشته باشند».

مقاومت و مبارزه حکم اخراج راجال تعلیق در آورد و نه تنها جلواخراج رهرا «کاملی» را گرفت، بلکه دولت را برای اقدامات بعدی اخراج مهاجران، محتاط نمود.

اخبار و تبصره ...

دروازت مالیۀ دولت مؤقت اضافه از صد نفر چنین اشخاصی بودند که باین سوبه معاش دریافت نموده اند. کشورهای امپریالیستی بنام کمک با افغانستان اشباه و مواد مورد ضرورت را بدون محصول گمرکی باین کشور وارد میکنند.

مردم افغانستان تشنه صلح و آرامش هستند. آنها خواهان بهتر شدن وضع اقتصادی و زندگی شرافتمندانه می باشند.

هر نیرویکه بتواند برای بیش از ۹۵٪ مردم تنگدست، فقیر، بیکار و مریض در افغانستان شرایط بهتر زندگی، صلح و آرامش را مهیا سازد. در حقیقت آن نیرو و موکرات است. قانونش برای مردم است و دولتش مردمی میباشد.

از آنجائیکه امریکا و متحدینش با پنج فیصد از جامعه ساخته و بزور B52 و هزاران عسکر متجاوز و وحشی بر ضد ۹۵٪ از مردمی که صاحب کشور و نعمات مادی و معنوی آن میباشدند به سیاست سرکوب و فریب، ادامه میدهد و با پلان های اسارت بار بحریم کشور ما جنگ انداخته است، حتمی و ضروری است که بخود آئیم و سیاستهای نیروهای تسلیم طلب و مزدور را افشائیم و با دشمن مکار و حیله گر برای مبارزه و مقاومت مسؤلانه دست بکار شویم و کشور را از لوث این نیروهای مهاجم، وحشی و نوکرانش، آزاد نماییم. آتوقت است که ماساحب کشور، دموکراسی و آزادی، خواهیم بود.

بر ضد تجاوز امپریالیسم امریکا و متحدینش مبارزه کنیم

د استاد رشاد...

وروسته چه هیواد ته راغی د کابل د پستو
تولنی مرستیال مقرر سو.

د ۱۳۳۷ شمسی کال راهیسی د کابل
پوهنتون د ادبیاتو د پوهنځی استاد وو وروسته
د شوروی اتحاد په یوه پوهنتون کی د دوه کاله
لپاره د پستو ژبی استاد ووپه ۱۳۵۶ کال کی
دپوهاند علمی رتبه ورکړ سو.

استاد په فارسی، اردو، انگلیسی، روسی،
هندي او عربي ژبو باندی تسلط درلود په ترکی
ژبه پوهیدی او جاپانی ژبه ئی زده وه.

استاد ۳۲ چاپ سوی آثار پری ایسی دی او
۶۵ نا چاپ کتابونه حنی په میراث پاته دی او
هدا شان د خپل ژوند په توله دوران کی ئی د
تحقیق له برکته په سلهاو علمی او ادبی مقالی
لیکلی دی.

کوم شی چه مهم او د یادولو وړ دی هغه د
استاد د علمی او ادبی مقام تر حنگ د استاد
بی پروانی د ظالماتو او جابرو قوتونو په
مقابل کی وه.

استاد د علیحضرت امان الله خان حخه
پرتبه په ټولو را وروسته نظامونو کی

د دولت

مخالف پاته

سویدی

ظالماتو ته

ئی په نفرت

کتل او د

عدل او

انصاف

طرفدار وو.

اوس چه

ارواح ساد

رشاد له دی

نری حخه

تल्ली دی

اودده په

ویراو ماتم

کی دیرو

سنگو او

سکی توی

کری، دده د دیره قدردانی وسوه، دده شاگردانو
او زامنو ئی دویر ناری سر کری خو یوه هم
دده د آزاد طبیعت، دوطن سره مینه د
استعمارچیانو او اشغالگرانو پر ضد کرکه او
بی زاری او د خرج سوی افغانانو بی غیرتی
چه ده ورته په سپکه سترگه کتل او شکایت ئی
حنی کری او د امریکائی، اسرائیلی، آلمانی
اوانگریزی سیاستونو چل ول او زموږ د ملت
د غلام کولو او بی وزلو هیوادونو د لوتماري

په غرض ظالماته چلند ته په خپلو اشعاروکی
نفرین استولی او دامریکائی وحشی لسکرو
تیری، د افغانی هیواد ویجارول، د خلکو وژل
او د بوش پلوه دموکراسی سخت مذمت ئی
کریدی یاد آوری ونکړه او سترگی ئی پری پتی
کری.

استاد دامریکائی بمونو توتی خپل

په کورکی په سکاره ایسی وه او

ورته لیکلی ئی وه چه: « د بوش

تحفه د افغانستان خلکوته ».

استاد په داسی حال کی چه دیر ناروغه او
کمزوری وه د سفر مشکلات پر حان قبول کرل
ارزگان ته ولار او هغه کلی ته ورغی چه
امریکائی ب ۵۲ الوتکوبمونه دواده پرخلکو
(په کال ۱۳۸۱) باندی غورچولی وه او په
هغه کی تر ۲۵۰ تنه زیات په شمول د زوم او
ناوی شهیدان سوی وه. ده په دیره سادگی او
زبردستی سره هغه واقعات چه امریکائی

یرغلگرو زموږ د هیوادحخه آزادی او استقلال چه کالبد ته د زره اومجنون ته د لیلای حیثیت لری اخیستی دی، زموږ د
خاوری او خلکو دسمنان حریت راحخه غصب کری دی او غواری زموږ بقا او پایست نابوده کری او غلامی په حنحیر مو
و تری، استاد رشاد د دی غم لرلی سر نوشت تصویر په دیرسه انداز کی راوری دی او افغان اولس ته د خیر داری پیغام
استوی.

د مجنون ژوندون به حه وی چه لیلامری

زره دیو ده دا د ختو په قالب کی

چه مرغغه لار شی قفس د ماتیدو دی

هیچ ممکن ندی پایست د هغغه پری

حریت د هرملت د بدن زره دی

که دانه وهم ملت مری هم بقاء مری

وحشیانه بمباری او هغه حه چه هلته پر واده
پیس سوی وه د ناوی د مور د خولی په یوه
نظم کی راوستلی چه دا نظم د پستو ژبی د
ویرنی یو اوچت او سایسته، شاهکاردی.

استاد سربیره پردی دامریکایانو د اشغال او
زموږ په هیواد باندی دیرغل حخه سه زره نلری
او په دیره میرانه او بهادری سره خپل آواز او
چتوی او د افغانستان د خوارو، زهیرو او
ربرید لی اولس په حننگ کی دریری او وطن

فروشانو، ظالماتو او مقام پرسته او خرج
سوی افغانانو ته بدوانی او په بدونی ستانی.
مورد یوه دموکرات او ملی قوت په حیث د
استاد مرینه چه د ۲۰۰۴ په دسمبرکی وه خپل د
هیواد د رستی زامنو او د ظلم او استبداد پر
ضد قوتونو لپاره لویه ضایعه بولو.

خپلو وطنوالو او په تیره بیادده کورنی ته د
همدردی اظهارکو او غوارو چه د استاد رشاد
د ادبی، علمی او ملی میراث حخه توله افغانان
اوجهانیان مستفید سی.

موریه خپل نوبت د استاد دورستی کلونو د
زره درد او د وطن د دسمنانو حخه دده دبی
زاری او کرکی د احساس د ترجماتی په غرض
دده حو شعرونه په نوبت سره په خپل نشراتی
ارگان کی په چاپ رسو.

علامه رشاد دثور تر کودتا پوری د ادبیات
په پوهنځی کی خدمت کاوه ورسته جبری تقاعد
ورکړ سو. او تر ۱۳۶۱ ش پوری په
کورناست و، خو د کابل د پوهنتون د
محصلانو په بیایا بیایینگار سره بیایا
خپل تدریسی کار پیل کر او پسله
یوه کاله

حخه د

افغانستان د

علومو

اکادمی له

خوا د

اکادمیسن

علمی مقام

ورکړ سو.

استاد په

۱۳۶۳ ش

کی چه د

لمری وار

لپاره د زره

په ناروغی

اخته سو،

مجبوره سو

چه د

تدریس کار

پس کری. خو ژبه او قلم ئی تل د تولنی د
خدمت په چاروکی جاری پاته سو.

استاد رشاد خپلواکی، ملی حاکمیت او د
افغانانو سیاسی اداره او واک د افغانانو
پواسطه، حریت بولی او هغه ته د یوی تولنی
چه کالبد ورته وائی د زره حیثیت ورکوی او د
دی معنی لرونکی سایسته شعرپواسطه ئی قدر
کوی او خپل معاصرو سبببائل ته د دی
سوغات د قدر کولو او ساتلو رغ کوی.

اخبار و تبصره ...

داندکه ادعای امریکائی ها دولت کرزی مینی براینکه افغانستان مربوط بمردم این کشور میباشد و حالا آنها یک دولت انتخابی دارند، همه و همه دروغ محض و صرف برای فریب مردم میباشد. افغانستان از روزیکه توسط قوای امریکائی و متحدینش اشغال گردید، آن حالت وابستگی و نیمه مستعمره بودن خودراهم از دست داد و به یک مستعمره امریکا مبدل گردید که تمام امور آنرا امریکائی ها پیش می برند و دولت کرزی یک دولت مزدور میباشد.

قوای امریکائی بدون اینکه کرزی و دولت مزدورش بداند، بالای مزارع کوکنار در ولایت ننگرهار مواد کیمیاوی را استعمال نمودند. قوای نظامی امریکا بدون در نظر داشت منافع مردم افغانستان هر وقتیکه خواسته باشند بخواه خانه های آنها یورش برده و بنام القاعده و مواد مخدر به تلاشی میپردازند، زنان و مردان خانواده رالت و کوب می کنند و یا با خود میبرند. که روشنترین مثال آن اجراء عمل ددمنشانه آنها در مربوطات شنوار ولایت ننگرهار، بود. که نتایج تلخی را ببار آورد.

میبینیم که طیارات خطوط هوائی راهم امریکائی ها کنترل میکنند و اجازة نشست و برخواست آنها را فیصله مینمایند و با این عمل خود سرانه و دشمنانه که فامیلها و خانواده های افغانی و خارجی را درویر و ماتم نشانند، ثابت ساختند که امریکا صاحب این کشور است و دولت کرزی یک دولت مزدور و بی صلاحیت و بنام می باشد.

طبق گزارش سرویس خبری جهانی برای فتح در روز ۲۷ نوامبر یک تظاهرات توده ای در ننگرهار «واقع جنوب شرق افغانستان» علیه سربازان امریکائی براه افتاد. سربازان امریکائی تحت عنوان «جستجوی تروریستها» دروازه خانه های مردم را شکسته و به خانه گردی پرداختند، در این خانه گردیهای فاشیستی، سه مرد و یک زن را دستگیر کردند. بفاصله کوتاهی یک تظاهرات ده هزار نفره که مردم با عصبانیت علیه امریکا و رژیم دست نشانده کرزی شعار میدادند، براه افتاد. تظاهر کنندگان سرک اصلی جلال اباد - ترخم (جاده) که کابل رابه پشاور پاکستان وصل میکند) را بستند. و در درگیریهای میان مردم و نیروهای امنیتی محلی، یک دختر جوان کشته شد.

اظهار نمود که من، صرف او امریالائی ها را باجراء در آوردم و وقتی هم در اوائل ازین کار اباء ورزیدم، تهدید و مجبور باجرای این اعمال شدم.

تبصره خپلواکی: از اوائل سال گذشته که جنایات نظامیان امریکائی در عراق و افغانستان بشمول گوانتانامو افاشاء گردید، اخباریکه بمطبوعات جهان، در ز نمودنشان داد که شخص رئیس جمهور «بوش»، وزیر دفاع و سایر مقامات مسئول نه تنها از این رویه شکنجه گران آگاه اند؛ بلکه خود اجازة انجام چنین اعمالی را بآنها داده اند.

طوریکه درهمه جا افراد زیر دست و پائین رتبه پایمال میشوند و بالائی ها که فرمان صادر میکنند، از حادثه جان سلامت میبرند، «یک» عسکر امریکائی و خانمش هم بعد از چندی، بدادگاه کشانده شدند.

وکیل دعوی Graner در محکمه اظهار نمود که مؤکل من صرف او امریالائی ها را باجراء در آورده است؛ این امر خود بخود واضح است و تا بحال بقناعت حضار و جواب اذهان عامه پرداخته نشده.

BBC ۲۰۰۵/۱/۱۰: محمد عالم دهمزار شریف د دولتی روغتون د داخلی خانگی د صفائی اوپاکی مسؤل دی. وانی حلور میاشتی نی معاش نه دی اخیستی، خپله وینه نی پلورلی او خپلو بچیانو ته نی نفقه اود کور کرایه ورکری ده.

په اساسی قانون کی ویل کیری چه دولت مکلف دی چه دخپلو وگرو درملنه په وریاتوگه وکری. خو د مزار شریف په ملکی روغتون کی د خلکو د تداوی او علاج لپاره، پیسی اخیستل کیری.

طیاره بوینگ ۷۳۷ شرکت خصوصی کام که بروز سوم فبروری از هرات عازم کابل، بود، در اثر نامساعد بودن هوا نتوانست بمیدان هوائی خواجه رواش فرود آید و قوای نظامی بین المللی (قوای اشغالگر - خپلواکی) برایش اجازة نشست بمیدان هوائی بگرام راندادند. سپس پیلوت بابر ج مراقبت میدان هوائی پشاور، تماس گرفته و اجازة نشست را حاصل نمود؛ متأسفانه طیاره مذکور در حدود چهار کیلو متر دورتر از میدان هوائی کابل، از روی صفحه رادار مفقود شده، سرنگون گردید. در اثر این سانحه هوایی ۱۰۴ نفر؛ یعنی تمام سرنشینان بشمول پیلوتها و کارکنان طیاره کشته شدند.

تبصره خپلواکی: خوانندگان محترم می

مثلاً یکی از جایگاه های تلاشی قوای امریکائی در نزدیک تورخم و سپین بولدک نزدیک مرز بلوچستان و پشتونستان و دو منطقه دیگر، چوک ارغندی و پلچرخ کابل، میباشد.

همچنان قوای نظامی امریکا در مواقعیکه غرض سرکوب و تلاشی خانه هادر حرکت می باشند، در طول راههای عبور آنها تازمانیکه به مقاصد مورد نظر شان میرسند، عراده جات اجازة عبور از کنار کاروان های آنها راندانسته و رانندگان مکلفند تا در قسمت عقب نیرو ها با احتیاط حرکت نمایند. این کار باعث ترافیک و راه بندانهای چندین ساعته گردیده و مشکلات جدی را برای هموطنان ما ایجاد مینماید.

هرگاه کسی تخلف ورزیده و بخواهد از این قوای اشغالگر و استعماری موترش را جلونماید، مورد قهر و غضب آنها قرار گرفته و بدون چون و چرا مورد اصابت گلوله های آنها قرار میگیرد. آنها حتی بمزدوران خود که شامل قوماندان های جهادی و کارمندان دولتی میباشد، نیز همین معامله رامینمایند. چنانکه روزی برادر زاده سیاف را (سیاف کسی است که زمانی توسط پادشاه عربستان سعودی لقب «عمر ثالث» گرفته و از معتمدین خاص امریکائی هادر افغانستان شمرده میشد - هیئت تحریر) که از امر آنها سرپیچی نموده بود، مورد تلافی و کوب قرار داده وسیلی کاری، کردند.

مسافری که در گرمی تابستان و سردی زمستان در انتظار و سرگردانی بیشتر قرار گرفته و مورد اذیت و آزار قرار دارند، از این شیوه قوای اشغالگر به ستوه آمده و نفرت و انزجارشان نسبت بقوای اشغالگر بیشتر از پیش گردیده و آرزو مند روزی اند تا گلوی این جنایتکاران را فشرده و آنها را از کشور خود بیرون نمایند. آنها وقتیکه ساعتها در انتظار باز شدن راه بسر می برند بشدت ناراحت گردیده و مزدوران راکه مانند آنها انتظار میکشند، مورد منت قرار داده و تمسخر کنان میگویند؟ شما چرا منتظرید!

محاکمه عسکر امریکائی در تگزاس: طبق راپوراد یو بی سی BBC بتاريخ ۱۴/۱/۲۰۰۵: Graner عسکر امریکائی - که در زندان ابو غریب عراق با شکنجه و بد رفتاری بازندان که جهان را تکان داد - از طرف محکمه نظامی تگزاس امریکابه ده سال حبس محکوم گردید. Graner در جریان محاکمه به هیئت قضاوت

کاراخیستل سوی دی او امریکائی نظامیان په دی پوهیری چه عربان د سپی حخه ویریری .
خپلواکی: دا چه عربان د سپی حخه ویریری په دی معنی دی چه دا سپی د دغه مقصد لپاره تربیه کیری او د انسانانو د زهیرولو او هغوی باندی د حملی او دارلو د پاره کارول کیری او هغه سپی ندی چه انسانان ئی په کورونو کی د حان سره ساتی .

په امریکائی ټولنه کی هم دیر خلک په عراق او افغانستان باندی د امریکای وحشیانه تیری ته بد وائی او د مظاهرو په کولو سره خپل اعتراض سکاره کوی، خو امریکائی وحشی او ظالم پوچ د خلکو د شکنجی او زهیرولو وظیفه په زندانو کی هم لری .

بقول یک دیپلمات آلمانی نصف پول
کمکهای امریکابافغانستان برای متخصصین خارجی پرداخت میشود .

یکی از کارکنان سفارت امریکاگفت که تعداد مشاورین در کابل از مگس هاوسگ هاهم زیاد تر شده اند. آنهاکم از کم ماهانه ۳۰۰۰۰۰۰ دلار معاش دارند. یک کارمند USAid روزانه تا ۸۴۰۰۰ دلار معاش دارد، بر علاوه امتیازات بنام مناطق خطر سالانه تنهاری مشاورین خارجی بودجه اضافه تراز ۱۰۰ میلیون دلار پرداخت می گردد. یکی از کمپنی هائیکه مشاورین رادر اختیار وزارت خانه ها میگذارد Bearing Point نام دارد. یکی از شرکت هائی که برای اندازه گیری و قباله دادن زمینها، فعال است و بیگ نفر امریکائی بنام William Strong از ایالت کالیفرنیا تعلق دارد، تنهاریه ماهانه دروزیراکبرخان را ۱۲۰۰۰۰۰۰ دلار می پردازد و تعداد مشاورینش به هفتاد نفر میرسد. در حالیکه پول کمک های اضافی این طور بمصرف میرسد، بازمه بیعدالتی در امور اداری، رشوه ستانی و کار شکنی، ادامه دارد. مامورین بلند پایه دولت هریک برای خود مشاورینی دارند و این پول «کمک» که توسط بانک انکشاف آسیائی پرداخت میشود باین راه حدر میرود .

چندی پیش یک کارمند خارجی کمکی که متعلق بشرکت Crown Agents برتانوی بود برای شش ماه کار در افغانستان ۲۰۷۰۰۰ دلار معاش گرفت. کار او در دفتر انسجام پولهای کمکی بود و دیگری برای ۲۴۱ روز کار ۲۴۲۰۰۰ دلار (روزانه بیش از هزار دلار) پول دریافت نمود .

این معاش به حواله Spiegel on - Line ده برابر معاش سالانه وزیر کابینه (افغانستان) میباشد و وزیر صاحبان هم سالانه ۲۴۲۰۰۰ دلار معاش دارند (و برای مردم و مأمورین پائین رتبه میگویند که ما ماهانه ۳۰ دلار معاش داریم - خپلواکی) ص: ۸

موجودیت دولت مزدور و فشار بالای مردم و بی امنیتی ناشی از آن بالخصوص اختطاف اطفال که هرروزه آنها را بکام مرگ میفرستد و هیچ اثری از آنها بجانمی ماند، شهریان قندهار را و ادار ساخت تادست بمقاومت زده و در برابر این اعمال اعتراض نمایند.

هزاره نفر جان بلب رسیده در مقابل ولایت قندهار دست به اعتراض زدند. دولت که از این حرکت مردم سراسیمه شده وسخت نگران شده بود، با آوردن قوای نظامی امریکائی و پولیس دست بحمله زد که در اثر آن ۲۲ نفر از تظاهرکنندگان شدیداً زخمی گردیدند. (بگفته مردم بالای شان فیر گردید).

دولت از موجودیت باندهای جنایتکار که در هر هفته کم از کم یک طفل لادرک میگردد، پرده برداشت؛ ولی نگفت که این باندهای جنایتکار چه کسانی اند و در کجا هستند. واضح است که آنها در دولت کرزی چوکی های کلان را اشغال نموده اند. چنانچه قوای امنیتی بانک پشتنی تجار تی، ۱۶ میلیون افغانی رادزدیدند و مسؤلین دولت دوروز بعد از وقوع حادثه این خبر را اعلان کردند.

یکتن از تظاهرکنندگان زیر عراده نظامیان امریکائی رفت که شدیداً زخمی گردید. تا حالا ۳۵ تن زندانی شده اند .

خالد پشتون سخنگوی والی اضافه نمود که مردم مسلح با تفنگچه و کلاشنکوف بودند. در حالی که از طرف مردم، نه فیر صورت گرفته ونه هم کسی رازخمی ساخته اند؛ پس معلوم است که خالد پشتون دروغ میگوید؛ زیرا کسیانیکه مسلح باشند و از طرف پولیس و قوای اشغالگر امریکائی بالایشان حمله مسلحانه صورت گیرد دولت و کوب و زندانی شوند، باید از اسلحه در دست داشته خود استفاده نمایند. چطور شد که آنها اینکار را نکردند و بدون مقاومت بدست مأمورین امنیت ملی، زندانی شدند. معلوم میشود که اسلحه را برای ساعت تیری با خود، آورده بودند !!!

یکتن از مظاهره چیان در مصاحبه با خبر نگار پشتو BBC گفت که کرزی اعلام نموده است که امنیت را برقرار و عدالت را جاری خواهد ساخت؛ ولی دیده میشود که جنایت کارانیکه دست شان بخون مردم رنگین و آلوده است بر سر قدرت اند و غیر از رشوت گرفتن و غصب مال و جا بداد مردم کار دیگری، ندارند .

امریکانی جنرالانو په عراق کی د زندانیانو د اقرار کولو په غرض حاتی اوروخی شکنجو و رکولو اجازه ورکری ده .

په امریکای کی یوی مؤسسی اعلان و کرچه د دی کاغذ پر مخ د جنرال چاویز امضاً لیدل کیری .

په دی شکنجو کی د سپی حخه هم

ویژه گی این مبارزه توده ای در آن بوده که تعداد چشمگیری از زنان در آن حضور داشتند. از صبح روز ۲۷ نوامبر تا چاشت روز بعد، زنان روی سرک جلال آباد - ترخم به بست نشستند. آنان سرک را کاملاً بسته و اعلام کردند که تا زمان آزادی دستگیر شدگان به این کار ادامه خواهند داد. اعتراضات توده ای به دیگر نقاط منطقه سرایت کرد. بالاخره اشغالگران امریکائی ورژیم دست نشاندۀ شان از ترس اینکه ممکنست اعتراضات توده ای بیش از این گسترش یابد، دستگیر شدگان را آزاد کردند .

مقامات بمردم قول دادند که ازین پس سربازان امریکائی همراه بانبروهای حکومت افغانستان دست بخانه گردی خواهند زد، اما مردم این راقبول نکردند و گفتند که خانه گردی های فاشیستی اینان باید فوراً و کاملاً قطع شود.

خانه گردی ها و اذیت و آزاراتش فاشیستی امریکادار افغانستان ادامه خواهد یافت و مردم رابیش از پیش مصمم خواهد کرد که علیه این نیروی اشغال گروورژیم دست نشاندۀ اش بپاخیزند و به حساب تک تک جنایات آنان رسیدگی کنند .

مطمئناً زنان افغانستان نقش مهمی در این ماجرا خواهند داشت .

درمزار شریف مردم برضد والی عطامحمد
قیام نمودند: طبق گزارش رادیو BBC بتاريخ ۵ مارچ در شهر مزار شریف مردم برضد والی عطامحمد قیام نموده و خواستار برکناری اش گردیدند. مظاهره چیان بر علاوه او را به داشتن تعصب شدید قومی محکوم نمودند .

والی عطامحمد مظاهره کنندگان را شرکای غاصبین زمین دانسته و آنها را در رابطه با دزدان می داند. والی عطامحمد در مصاحبه اش اضافه نمود که مظاهره چیان از سایر ولایات آمده اند و مردم بومی این ولایت نمی باشند.

از یکطرف عطامحمد والی مزار میگوید که مظاهره چیان از سایر ولایات اند و از طرف دیگر میگوید که آنها کسانی اند که زمین های دولتی را بعد از سقوط نجیب الله بنام خود قباله نموده و حاضر نیستند این زمینها را پس بدهند.

چطور ممکن است که بدون دست داشتن عطا محمد - که مرد قدرتمند مزار میباشد - مردم بتوانند زمین های دولتی و شخصی را بنام خود قباله نمایند و اگر هم قباله کنندگان دست به تظاهرات زده اند، معلوم است که مردم این شهر، میباشدند. چیزی که مهم است این است که از شدت جنایات دولت و خودسری و بی عدالتی مداوم، مردم حاضر شده اند بصحنه مبارزه بی آیند و دست بمقاومت بر ضد اشغالگران و دولت مزدور بزنند و صدای اعتراض خود را بلند کنند.

مردم قندهار دست به اعتراض زدند:

اوجگیری انقلاب در نیپال و توطئه امپریالیستها

انقلاب نیپال که برای ایجاد جامعه نوین و استقرار دولت کارگران و دهقانان برهبری حزب مائوئیستی از سال ۱۹۹۶ با این طرف بر ضد سلطنت منفریک جنگ مسلحانه از طریق براه انداختن جنگ توده ای طولانی دست بکار است ، توانسته است مشکلات و دشواری های بزرگی را پشت سر گذاشته و بمرحله حمله و تعرض استراتژیک بر ضد رژیم پادشاهی گام نهد. این مبارزه مسلحانه توده ای امپریالیست ها، نیروهای مترجم منطقه و دولت توسعه طلب هندوستان راست نگران و دستپاچه نموده است .

رژیم سلطنتی «پاچاگیاندر» که در مقابله بانبرو های مائوئیستی عاجز و ناتوان مانده و شکست حتمی خود را روز شماری میکند، زیر نام از بین بردن جنبش مائوئیستی و اعاده نظم و قانون تمام قوانین مدنی را که شامل فعالیت احزاب سیاسی ، آزادی بیان و مطبوعات و حق تظاهرات و گرد هم آیی هامیشد از مردم نیپال گرفته و هزاره فعال سیاسی و رهبران نیروهای اپوزیسیون را زندان انداخته و بر ضد نیرو های مائوئیستی که دیرین از شهرها هم فعال میباشند دست به تبلیغات زهر آگین زده و یکشتارو قتل عام اهالی مناطقی که دسترسی دارد، پرداخته و باین ترتیب ماهیت ضد مردمی خود را به نمایش گذاشته است .

امپریالیست های امریکائی که زیر نام آوردن دموکراسی و آزادی ، افغانستان و عراق را اشغال نموده و بقتل عام نیروهای مقاومت مشغول اند، برای فریب اذهان عامه جهان مجبور گردیده اند تا تصادای خویش را بر ضد رژیم پادشاهی نیپال بلند نمایند و نشان دهند که گوای رژیم سلطنتی در نیپال بر ضد آزادی و دموکراسی عمل مینماید و خواستار رهائی زندانیان شده اند . با آنکه مقصد امپریالیستها از رهائی زندانیان سیاسی رامی فهمیم و میدانیم که آنها خواستار آزادی چه کسانی اند؛ ولی بطور خائنانه میخواهند مخفیانه رژیم سلطنتی را تقویه نمایند.

کشور هندوستان که با کشور نیپال همسرحدمی باشد دولت آن سخت تحت فشار نیرو های جنبش مائوئیستی در چند ایالت قرار داردمی تواند بطور علنی وارد صحنه گردیده و بیا هم بتجاوز مسلحانه دست بزند، چرا که میفهمد که حمله بر نیپال برایش تلفات سنگینی را بار خواهد آورد و همزمان با آن ..

ص : ۲

اخبار و تبصره

قوای اشغالگر امریکائی در افغانستان علاوه بر اینکه بخانه های مردم هجوم برده و زنان ، مردان و اطفال رالت و کوب نموده وبا خود میبرند، به بهانه از بین بردن کشت خشکاش بالای مزارع آنها، زهر پاشی نموده و هزاره انسان را بامراض گوناگون مبتلا نموده و باعث مرگ و میر حیوانات و تخریب زمین های زراعتی آنان ، میگردند.

آنها چنان در طول راه با انداختن زنجیر و جاجانمودن قوای نظامی ، بتلاشی عراده جات و مسافرین میپردازند... ص : ۱۰

کودتای ثور را چه کسانی براه انداختند

کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ در افغانستان آن طوریکه گفته می شود و نوشته گردیده و مورد قبول است ، توسط امین ویا «خلقی» ها و پرچی ها صورت نپذیرفته ؛ بلکه پلان و نقشه آن از طرف KGB ریخته شده و بازیگران اصلی آن اشخاص و مهربه های دیگری بوده اند که تا امروز ناشناخته مانده و بیا هم اصلاً از آنها ذکر بعمل نیامده است .

بنظر نویسنده از معلومات و تحقیقاتی که صورت گرفته ، دلایلی که موجود اند و علانی که شاهده میدهند، کودتای ها غیر از چند نفر صاحب منصب اردو کسان دیگری بوده اند که در کابینه داؤد خان حضور داشتند. کودتاهای که در افغانستان واقع گردیده ، بازیگران اصلی آن طوریکه روی صحنه آمده اند، کسان دیگری بوده اند.

کودتای ۲۶ سرطان هم بظاهر توسط داؤد خان صورت گرفت ؛ ولی آن عده صاحب منصبانی که کودتا را براه انداختند، از نام داؤد خان استفاده کردند. شورویها عمداً برای براه انداختن کودتا از کسانی استفاده مینمودند که در درجه های پائین تری از وابستگی بآنها قرار داشتند. اینکار را باین سبب مینمودند که در صورت شکست و افشای، ضربه اصلی را دولت بر آنها وارد نموده و نیروهای اصلی وابسته از گردن و ضربه جان سلامت برند... ص : ۶

حادثه خونین ۲۳ ثور سال ۱۳۴۸ ش

در بهار سال ۱۳۴۸ پوهنتون و مکاتب کابل باز هم صحنه داغ مبارزات سیاسی بود .

در کنار دلایل متعددی که محصلان را واداشت دست با اعتراض و تظاهرات پر شور خیابانی بزنند یکی ، مسئله کانکور زدگان بود. در افغانستان آن زمان پوهنتون کابل، پولی تخنیک و طب ننگرهار از جمله مؤسسات تحصیلات عالی بودند. دولت نمیتوانست به تمام فارغان صنوف دوازدهم درین مؤسسات عالی تحصیلی زمینه ادامه تحصیل فراهم نماید. لذا با وضع نمودن امتحان کانکور سد راه ادامه تحصیل عده زیادی از فارغان صنوف دوازدهم مرکز و ولایات میگردد.

با آغاز سال تعلیمی ، کابل صحنه اعتراضات و تظاهرات دستجمعی کانکور زدگان و پشتیبانان آنها که تعدادشان به هزاره نفر رسید، گردید.

کانکور زدگان که تعدادشان در کابل بصد هانفر می رسید هر روز حرکت شان را بطور دستجمعی از مکاتب شروع نموده و بصحن پوهنتون کابل برای جلب پشتیبانی محصلان میآمدند و همراه با آنها بطور کنلوی تظاهرکنان بشهر میرفتند تا اعتراضات شان را بدین وسیله ابراز نموده و دولت را زیر فشار بگیرند تا به مشکل شان رسیدگی شود.

بیکاری در افغانستان یک مرض و معضله مزمن برای مردم بخصوص قشر روشنفکر و تعلیم یافته بود و در کنار فساد اداری، فقر و سایر بیعدالتی های اجتماعی، مردم را به فغان رسانده بود و بدرجه بی اعتمادی ، بی باوری و بی زاری آنها از دولت افزوده بود .

کانکور زده گان که نمی توانستند بعد از ختم صنف دوازدهم مصروف کارشون نه تنها با بردوش فامیل بودند ؛ بلکه عاطل و باطل بودن شان مایه تشویش و درد سر برای اولیاء شان شمرده میشد. دولت بعوض اینکه باین مشکل رسیدگی نموده و راه حل درستی را مطرح نماید برعکس با فرستادن پولیس و غنند ضربه و به نشر سپردن بیانیه های تهدید آمیز از طریق رادیو و مطبوعات سیاست سرکوب رادریش گرفته و می خواست از این طریق اعتراضات و تشنج را خفه نماید.

وقتی کانکور زدگان به پوهنتون میامدند، جریانات سیاسی که عمدتاً شامل شعله جاوید، «خلقی» ها و پرچی ها بودند، برای آنها راه حل های جداگانه را برای رسیدن به هدف پیشنهاد مینمودند. «خلقی» ها و پرچیها راه عریضه دادن به پارلمان را پیشنهاد میکردند تا وکلای پارلمان غم شان را خورده و برایشان چاره بسنجند... ص : ۳

آدرس بانکی :

AWARAGAN

ev

H.K. Girokonto Nr. 961 360 80
BLZ 701 500000 Stadtparkasse - Muenchen

آدرس پستی :

DODA
Postfach : 200151
D 63468 Maintal

هشتم مارس روز جهانی زن بزنان سراسر جهان مبارک باد